

فماز در



دکتر مهدی اسماعیل پور

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ



تهیه شده در: روابط عمومی و امور استان ها | استاد اقامه نماز

طراح گرافیک و صفحه آرایی: سیدعلی حسینی (۰۹۱۹۳۵۸۱۷۹۰)

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان قدس، نبش خیابان ایتالیا، پلاک ۹۸

راه های ارتباطی: تلفن: ۸۸۹۹۶۱۵۰ | تلفکس: ۸۸۹۹۵۱۳۹ | سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۰۱۷

آدرس سایت: www.namaz.ir | کانال تلگرام: @namaz_ir

• نشر و استفاده از مطالب نشریه قنوت در راستای ترویج فرهنگ متعالی اسلام بلامانع می باشد.

با کلیک روی عنوان مورد نظر به متن آن عنوان منتقل شوید.

- مقدمه ۹ |
- نماز، مقدم بر همه کارها ۱۴ |
- نماز، اولین نشانه حکومت صالحان ۱۸ |
- اهمیت ویژه نماز در میان کارهای نیک ۲۲ |
- نماز خواندن در هر حال ۲۴ |
- سفارش به نماز ۲۷ |
- سازندگی نماز ۲۹ |
- یاد خدا، فلسفه نماز ۴۱ |

- نماز توشه آخرت..... | ۴۲
- تحمل سختی ها برای اقامه نماز..... | ۴۶
- نماز و طهارت..... | ۴۸
- وقت نماز..... | ۵۵
- اهمیت نماز صبح..... | ۵۹
- اهمیت نماز ظهر..... | ۶۰
- نماز جماعت..... | ۶۳
- نماز جمعه..... | ۶۶
- نماز در سفر..... | ۷۴

- اخلاص در نماز..... | ۷۷
- نماز خاشعانه، اولین ویژگی مومنان..... | ۷۹
- نماز آگاهانه..... | ۸۱
- محافظت از نماز..... | ۸۳
- نماز و حمایت خداوند..... | ۸۶
- نماز و آرامش..... | ۹۳
- نماز و افزایش ظرفیت ها..... | ۱۰۴
- نماز و قرآن..... | ۱۰۶
- قرآن، نماز و انفاق راه رسیدن به تجارت پرسود... | ۱۰۸

- نماز و زکات ۱۱۲ |
- نماز و امر به معروف و نهی از منکر ۱۱۶ |
- نماز و برادری ۱۱۸ |
- نماز و شهرسازی ۱۲۰ |
- نماز و خانواده ۱۲۳ |
- پایداری بر نماز خانواده ۱۲۵ |
- سفارش فرزندان به نماز ۱۲۹ |
- دعا برای نمازگزار شدن فرزندان ۱۳۱ |
- نماز و کار ۱۳۳ |

- نماز محو کننده گناهان | ۱۳۸
- آبادانی مسجد به دست نمازگزاران | ۱۴۱
- ضایع کردن نماز | ۱۴۴
- برخورد دشمنان با نماز | ۱۴۷
- نماز منافقان | ۱۴۸
- عدم توجه به نماز دلیل جهنمی شدن | ۱۵۴
- نماز بدون حضور قلب و همراه با ریا | ۱۵۶

● مقدمه

در بیش از ۸۰ آیه از قرآن کریم بیش از ۹۰ بار واژه «صلوة» و مشتقات آن آمده است همچنین علاوه بر واژه «صلوة» نزدیک ۲۰ واژه در قرآن به کار رفته که مرتبط با نماز است مثل واژه های عبادت، رکوع، سجده، قنوت، ذکر، حمد، تسبیح، اذان، قبله، مسجد و ...

● نماز و قرآن رابطه تنگاتنگی با هم دارند که در ادامه به برخی از آن ها اشاره می گردد:

۱. نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است.

خداوند در آیه ۷۸ سوره اسراء به جای آنکه نام نماز صبح را ببرد از آن تعبیر به «قُرْآنَ الْفَجْرِ» کرده و می فرماید:

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بیادار، و همچنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

از این آیه همچنین استفاده می شود که قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است.

۲. نماز، در بیشتر سوره های قرآن، از بزرگ ترین سوره (بقره) تا کوچک ترین آن (کوثر) مطرح است.

۳. خداوند در آیه ۱۷۰ سوره مبارکه اعراف تمسک به قرآن و نماز را در کنار هم آورده است.

در این آیه می خوانیم: «وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ»

و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می جویند و نماز را به پا داشته اند

(بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران راتباه نخواهیم کرد.

و این نشان از ارتباط تنگاتنگ نماز و قرآن است.

۴. قرآن را همچون نماز باید به پاداشت.

خداوند در قرآن در ۱۸ آیه اقامه نماز را با لفظ «أَقِيمُوا» و «أَقَامُوا» مطرح کرده و

همین تعبیر را در مورد قرآن نیز در آیه ۶۶ سوره مائده بیان کرده و می فرماید:

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ»

و اگر آنان (یهود و نصارا) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر

آنان نازل شده (قرآن)، برپا می داشتند، از بالای سرشان (آسمان) و از زیر

پاهایشان (زمین) روزی می خوردند.

۵. دلیل وجوب نماز، مہجوریت زدایی از قرآن است.

خداوند در آیه ۳۰ سوره فرقان شکایت پیامبر را در روز قیامت به خاطر مهجوریت قرآن بیان می‌کند و می‌فرماید:

«وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا»

پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند.

• این شکایت ویژگی‌هایی دارد از جمله:

الف: در پیر خطرترین دادگاه یعنی روز قیامت اتفاق می‌افتد.

ب: نزد عالی‌ترین قاضی یعنی خداوند است.

ج: از محبوبترین و بالاترین مقام هستی یعنی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ صورت می‌گیرد.

د: شکایت توسط کسی است که مظهر رحمة للعالمین است.

ه: شکایت پدر از فرزند است. زیرا پیامبر فرمودند من و حضرت علی عَلِيٌّ

پدران این امت هستیم. «انا و علی ابوا هذه الامه»

و: شکایت حتمی است چون با فعل ماضی آمده است. (وَقَالَ الرَّسُولُ)

ز: شکایت با استمداد از کلمه یارب است.

ح: شکایت از کسی است که امید شفاعت از او داریم. «وَيَلْ لِمَنْ كَانَ شَفَعَاءَهُ

خِصْمَاءَهُ؟»

امام رضا علیه السلام نیز در حدیثی دلیل واجب شدن نماز را مهجوریت زدایی از

قرآن بیان می کند و می فرماید: نماز بر مردم واجب شد تا قرآن از مهجوریت

بیرون آید؟

«عَنِ الرَّضَا عليه السلام: أَنَّهُ قَالَ أَمْرَ النَّاسِ بِالْقِرَاءَةِ فِي الصَّلَاةِ لِئَلَّا يَكُونَ الْقُرْآنُ مَهْجُورًا

مُضَيِّعًا»

هریک از ما نیز باید سعی کنیم در حد توان از مهجوریت قرآن بکاهیم تا

مورد شکایت پیامبر واقع نشویم و چه بهتر که این سعی را با مطالعه و تدبیر در آیات قرآن در خصوص اولین و مهمترین توصیه خداوند که اقامه نماز است داشته باشیم و از متن آیات قرآن علم و فهم و درک خود را نسبت به نماز بالا ببریم.

مجموعه حاضر آیاتی با موضوع نماز است که بر اساس تفسیر نور حجت الاسلام قرائتی حَفِظَهُ اللهُ و برخی کتب دیگر ایشان تهیه و تدوین گردیده تا خوانندگان با این آیات و نکات و پیام های آن آشنا شوند.

امید است که این اثر ناچیز گامی در جهت مهجوریت زدایی از قرآن و اقامه نماز باشد.

• نماز، مقدم بر همه کارها

«رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا

تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» (نور، ۳۷)

«مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و پرداخت زکات، سرگرم و مشغول نمی‌کند، از روزی که در آن، دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شود بی‌منا کند».

• نکته‌ها:

«تِجَارَةٌ» داد و ستد دائمی است که برای به دست آوردن سود انجام می‌گیرد، ولی «بَيْعٌ» خرید و فروش مقطعی و دفعی برای رفع نیازهای روزمره زندگی است.^۱

کلمه‌ی «رِجَالٌ» در این جا شامل همه‌ی بندگان خدا می‌شود، چه مرد و چه زن.

در حدیث می‌خوانیم: مراد از کسانی که در این آیه از آنها یاد شده است،

۱. تفسیر المیزان.

تجاری هستند که با شنیدن صدای اذان، تجارت را رها می‌کنند و به سوی نماز می‌روند.^۱

تجارت، تنها عاملی نیست که انسان را سرگرم می‌کند و از یاد خدا بازمی‌دارد، عوامل دیگری نیز در قرآن کریم ذکر شده است، از جمله: تکاثر، آرزو، فرزند و دوست بد.

• پیام‌ها:

۱. کسانی که تجارت آنان را غافل نکند، مردان بزرگی هستند. (کلمه «رِجَالٌ» با تنوین آمده که علامت بزرگی و عظمت است)

۲. تلاش و اقتصاد منهای یاد خدا، پوچ و بی‌ارزش است. («لَا تُلْهِهِمْ» به جای «لَا تَمْنَعُهُمْ» بیانگر آن است که اگر به تجارت سرگرم و از نماز غافل شدی کارت لوله‌و، پوچ و بی‌ارزش است.)

۱. تفسیر نورالثقلین.

۳. تجارت و اقتصاد، لغزشگاه بزرگی است. «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ»
۴. اگر ایمان و اراده‌ی قوی باشد، ابزار و وسائل اثری ندارند. «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ»
۵. بازار اسلامی هنگام نماز، باید تعطیل شود. «رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ» ...
۶. از نظر اسلام، حتی کارهای حلال و مباح نباید انسان را از یاد خدا غافل کند، چه رسد به کارهای مکروه و حرام. «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ»
۷. ترك تجارت، ارزش نیست، بلکه تجارت همراه با یاد خدا و نماز و زکات ارزش است. «لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ ... عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ...» (مردان خدا برای زندگی مادی خود تلاش می‌کنند، ولی از آخرت غافل نیستند.)
۸. ایمان به آخرت، دنیا را نزد انسان کوچک می‌کند. «لَا تُلْهِهِمْ... يَخَافُونَ يَوْمًا»
۹. با این که نماز ذکر خداست، ولی به خاطر اهمیت آن در کنار ذکر الله جداگانه مطرح شده است. «ذِكْرُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ»

۱۰. نماز و زکات عدل یکدیگرند و تاجرانی استحقاق ستایش دارند که اهل هردو باشند. «إِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ»

۱۱. دنیا، شمارا از آخرت غافل نکند. «يَخَافُونَ يَوْمًا»

۱۲. در قیامت، چشم‌ها گاهی تیز و گاهی خاشع و دل‌ها منقلب است. «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» قیامت صحنه‌های هولناک و هراس‌آوری دارد. «يَخَافُونَ» ...

۱۳. در قیامت، معیارها عوض می‌شود. (آنچه در دنیا در دیده‌ها و دل‌ها جلوه می‌کند، در آخرت به شکل دیگری درمی‌آید. آنچه امروز به سوی آن می‌رویم، فردا از آن فرار خواهیم کرد). «تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»

• نماز، اولین نشانه حکومت صالحان

«الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

الْمُنْكَرُ وَاللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (۴۱)

«کسانی که اگر آنان را در زمین به قدرت رسانیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و (دیگران را) به خوبی‌ها دعوت می‌کنند و از بدی‌ها باز می‌دارند و پایان همه‌ی امور برای خداست».

• نکته‌ها:

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد سوء استفاده می‌کنند. بنا بر این دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» و در راه نابودی

منابع اقتصادی و نسل بشر گام برمی دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»^۱ و عاقبت، مردم را به دوزخ می کشانند. «أَيُّمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۲

• پیام‌ها

۱. امر به معروف و نهی از منکر، به قدرت نیاز دارد. «مَكَّنَاهُمْ»
۲. پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می کند و غفلت و غرور را از بین می برد. «إِنْ مَكَّنَاهُمْ» ...
۳. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان دارند هدف مقدّس خود را پیاده می کنند. «فِي الْأَرْضِ»
۴. همه‌ی قدرت‌ها را از خدا بدانیم. «مَكَّنَاهُمْ»

۱. بقره، ۲۰۵.

۲. قصص، ۴۱.

۵. اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»...

۶. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ»...

۷. اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. «أَقَامُوا» نه «یقیمون»

۸. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»...

۹. جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. «وَلِيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱۰. امر ونهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اوّل به وظایف فردی خود عمل کنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ... أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ»

۱۱. اقامه‌ی نماز، به قدرت و امکانات نیاز دارد. «إِنْ مَكَّنَّاهُمْ... أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۱۲. زکات، همتای ناگسستنی نماز است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا الزَّكَاةَ» (در ۲۸ آیه‌ی قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).

• اهمیت ویژه نماز در میان کارهای نیک

«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ» (انبیاء، ۷۳)

«و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند و به آنان، انجام کارهای نیک و برپایی نماز و پرداخت زکاة را وحی کردیم و آنان فقط عبادت‌کنندگان ما بودند.»

• نکته:

با این که نماز نیز جزء کارهای خوب است، اما نام آن جداگانه در کنار خیرات برده شده و این توجه قرآن بخاطر اهمیت نماز است.

• پیام‌ها:

۱- امامت نیز همچون نبوت، باید با انتخاب خداوند باشد. «جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً»

۲- توجه به انجام کارهای خیر، از الطاف ویژه الهی است. «أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ»

۳- نماز و زکات در میان کارهای خیر، جایگاه ویژه‌ای دارند. «فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»

۴- نماز و زکات، دو رکن اساسی در همه ادیان بوده است. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ»

۵- بدون نماز و زکات، انسان به درجه بندگی خدا نمی‌رسد. «إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ
إِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»

• نماز خواندن در هر حال

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ
الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران، ۱۹۱)

«(خردمندان) کسانی هستند که ایستاده و نشسته و (خوابیده) بر پهلو یا در
خدا می‌کنند و در آفرینش آسمان‌ها و زمین اندیشه می‌کنند (و از عمق جان
می‌گویند): پروردگارا! این هستی را باطل و بی‌هدف نیافریده‌ای، تو (از کار
عبث) پاک و منزّه‌ی، پس ما را از عذاب آتش نگهدار.»

• نکته‌ها:

به فرموده‌ی امام باقر علیه السلام، افراد سالم، نماز را ایستاده و افراد مریض، نشسته

و افراد عاجز، به پهلو خوابیده، به جا آورند.^۱

• پیام‌ها:

۱- نشانه‌ی خردمندی، یاد خدا در هر حال است. «لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ»

۲- اهل فکر، باید اهل ذکر باشند.

«لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ»، «وَيَتَفَكَّرُونَ»

۳- ایمان بر اساس فکرواندیشه ارزشمند است. «يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا»

۴- ذکر و فکر، همراه یکدیگر ارزش است. متأسفانه کسانی ذکر می‌گویند، ولی اهل فکر نیستند و کسانی اهل فکر هستند، ولی اهل ذکر نیستند.

«يَذْكُرُونَ»، «يَتَفَكَّرُونَ»

۵- آنچه سبب رشد و قرب است، ذکر و فکر دائمی است نه موسمی. «يَذْكُرُونَ» و «يَتَفَكَّرُونَ» فعل مضارع اند که نشان استمرار است.

۶- آفرینش بیهوده نیست، گرچه همه اسرار آن را درک نکنیم. «ما خَلَقْتَ هذا باطلاً»

۷- اول تعقل و اندیشه، سپس ایمان و عرفان، آن گاه دعا و مناجات. «يَتَفَكَّرُونَ»، «رَبَّنَا»، «فَقِنَا»

۸- اگر هستی بیهوده و باطل نیست، ما هم نباید بیهوده و باطل باشیم. «ما خَلَقْتَ هذا باطلاً»، «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

۹- هستی هدفدار است، پس هر چه از هدف الهی دور شویم به دوزخ نزدیک می شویم. «فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»

• سفارش به نماز

«وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا» (مریم، ۳۱)

«وهرجا که باشم، خداوند مرا مایه‌ی برکت قرار داده و تا زنده‌ام مرا به نماز و زکات سفارش کرده است.»

• نکته‌ها:

چیزی با برکت است که در آن منفعت زیاد، تعلیم و تأدیب دیگران و با ثبات باشد حضرت عیسی علیه السلام هم عمر با برکتی دارد و تا بعد از ظهر امام زمان علیه السلام زنده است و هم پیروانش بسیارند و بر کافرانی که در پی قتل آن حضرت بودند، پیروزند.

«وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» سرچشمه‌ی خیرات

و برکات، نیت‌ها، اهداف، حالات و خصلت‌های درونی است. لذا بعضی انسان‌ها هر جا که باشند مبارکند. «جَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ» و بعضی به خاطر مشکلات روحی و دوری از معنویت، در هر جا که باشند گرفتار خصلت‌های ناروای خویش اند و خیرشان به دیگران نمی‌رسد.

• پیام‌ها:

۱. امتیازات و برتری‌های خود را از خدا بدانید. «جَعَلَنِي»
۲. ستایش از خود، اگر برای فخر فروشی نباشد مانعی ندارد. «وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا»...
۳. پیامبران، سرچشمه‌ی خیر و برکت و آثار ابدی هستند. «مُبَارَكًا»
۴. ارزش‌های معنوی، فوق زمان و مکان است. «أَيْنَ مَا كُنْتُ ... مَا دُمْتُ حَيًّا»
۵. نماز و زکات از مشترکات ادیان آسمانی است. «وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

(شاید بتوان شرط مبارك بودن را اقامه نماز و پرداخت زکات دانست.)

۶. رابطه با خدا (انجام نماز)، از رابطه با محرومان (پرداخت زکات) جدا نیست. «بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

۷. نماز و زکات، در طول عمر تعطیل بردار نیست «مَادُمْتُ حَيًّا»

• سازندگی نماز

«انَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» «عنکبوت، ۴۵»

«قطعاً نماز از فحشا و منکر جلوگیری می کند.»

• نکته ها:

این آیه شریفه با کلمه «ان» و جمله‌ی اسمیه شروع می شود و نشان می دهد نقش نماز در اصلاح فرد و جامعه و پیشگیری از آسیب های اجتماعی قطعی

است.

کار شیطان نیز با نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می دهد، «فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» اما نماز انسان را از گناه باز می دارد. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ..

• **سؤال:** چگونه نماز فرد و جامعه را از فحشا و منکر باز می دارد؟

• **پاسخ:**

۱. ریشه‌ی تمام منکرات غفلت است و خداوند در آیه ۱۷۹ سوره‌ی اعراف، انسان غافل را از حیوان بدتر شمرده است. «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» و بر طبق آیه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» نماز یاد خدا و بهترین وسیله‌ی غفلت زدایی است، پس زمینه‌ی منکرات را از بین می برد.

یاد خدا اثراتی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم:

• یاد نعمت های او، رمز معرفت و شکر اوست.

• یاد قدرت بی پایان او، رمز توکل به اوست.

• یاد علم و آگاهی او، رمز حیا و تقوای ماست.

• یاد الطاف او، رمز محبت به اوست.

• یاد عدالت او، رمز خوف از اوست.

• یاد امدادهای او، رمز امید و رجاست.

۲. اقامه ی نماز و داشتن رنگ الهی، مانع گرفتن رنگ شیطانی است. چنان که کسی که لباس سفید بپوشد، حاضر نیست در جای کثیف و آلوده بنشیند.

۳. در کنار نماز، معمولاً توصیه به زکات شده است، که فرد را از منکر بخل و بی تفاوتی در برابر محرومان و جامعه را از منکر فقر که زمینه ی رویکرد به

منکرات است، رهامی سازد.

۴. نماز، دارای احکام و دستوراتی است که رعایت هر یک از آنها انسان را از بسیاری گناهان بازمی‌دارد، مثلاً:

شرط حلال بودن مکان و لباس نمازگزار، انسان را از تجاوز به حقوق دیگران بازمی‌دارد.

رعایت شرط پاك بودن آب وضو، مکان، لباس و بدن نمازگزار، انسان را از آلودگی و بی‌مبالاتی دور می‌کند.

شرط اخلاص، انسان را از منکر شرک، ریا و سُمعه بازمی‌دارد.

شرط قبله، انسان را از منکر بی‌هدفی و به هر سو توجّه کردن بازمی‌دارد.

رکوع و سجده، انسان را از منکر تکبر بازمی‌دارد.

توجّه به پوشش مناسب در نماز، انسان را از منکر برهنگی و بی‌حیایی

حفظ می کند.

توجه به عدالت امام جماعت، سبب دوری افراد از فسق و خلاف می شود. نماز جماعت، انسان را از گوشه گیری نابجانجات می دهد.

۵. احکام و شرایط نماز جماعت، بسیاری از ارزش ها را زنده می کند از جمله: مردمی بودن، جلوگیری از رهبر، عقب نماندن از جامعه، سکوت در برابر سخن حق امام جماعت، نظم و انضباط، ارزش گذاری نسبت به انسان های باتقوا، دوری از تفرقه، دوری از گرایش های مذموم نژادی، اقلیمی، سیاسی و حضور در صحنه که ترك هر يك از آنها، منکر است.

• **سوال:** اگر نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد پس چرا عده ای با وجود اینکه نماز می خوانند باز گناه می کنند؟

• **پاسخ ۱:**

تخمه پوك، هیچ گاه سبز نمی شود و نماز بدون حضور قلب، تخمه پوك

است. نمازی سبب دوری انسان از مفاسد می شود که با حضور قلب باشد وگرنه حرکت لب و کمر چنین خاصیتی را ندارد.

اگر مدرسه و دانشگاه به انسان رشد علمی می دهد به این معنا نیست که هرکس به مدرسه و دانشگاه رفت به آن رشد می رسد، بلکه به این معناست که مدرسه و دانشگاه بستر رشد است به شرط آنکه با جدّیت درس بخوانید و آنچه را می خوانید بفهمید. نماز نیز اگر با اصول و شرایطی که دارد اقامه گردد، مانع فحشا و منکر می شود.

خداوند در آیه ۵۹ سوره مریم می فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا» آن گاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوسها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.

ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترك آن است. کسی که نماز می خواند،

ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۱

در روایتی می‌خوانیم: همین که حضرت رسول ﷺ این آیه را تلاوت می‌فرمودند، منقلب شده، فرمودند: «بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد».^۲

در جایی دیگر، به نمازگزارانی که نسبت به نمازشان سهل انگار و بی‌اعتنا هستند و گاهی می‌خوانند و گاهی نمی‌خوانند، می‌گوید: وای بر آنان: «فَوَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِيْنَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۳

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. در سوره مدثر دوزخیان می‌گویند: «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار

۱. بحار، ج ۱۱، ص ۷۲.

۲. تفسیر نمونه

۳. ماعون، آیه ۴ و ۵

نداشت. و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی دهد زیرا خداوند در سوره مدثر در چند آیه بعد می فرماید: «فَمَا تَنْفَعُهُمُ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۱ و این همان حدیث معروف امام صادق علیه السلام است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند:

«لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ»^۲

ارزش گذاری به نماز، نشانه ایمان به خداست و بی اعتنایی، دلیل ضعف عشق و علاقه به معنویات است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَسْرَقَ النَّاسِ مَنْ سَرِقَ صَلَاتَهُ»^۳ سارق ترین و دزدترین افراد، آنانند که از نمازشان بکاهند و بدزدند.

در جای دیگر فرمود: کسانی که نماز را سبک می شمروند، مانند زنانی هستند

۱. مدثر، ۴۸.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۳. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۲.

که سقط جنین می‌کنند، نه می‌توان آنان را حامله نامید و نه می‌توان به آنان بچه‌دار گفت.^۱

و نیز فرمود: «مَنْ ضَيَّعَ الصَّلَاةَ فَهُوَ لِيْغْيِرَهَا اضْيَعُ»^۲ کسی که نماز را سبک شمارد و ضایع کند، نسبت به غیر نماز، تضييع بیشتری خواهد داشت.

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: آنکه نماز خود را تباه سازد، در قیامت در کنار قارون و هامان خواهد بود. و ای بر کسی که از نماز خود مواظبت نکند.^۳

و نیز: کسی که نماز را سبک شمرد، خداوند برکت و بهره و خیر را از عمر و مال او برمی‌دارد، پاداش کارهای او از بین می‌رود، دعاهایش مستجاب نمی‌شود، هنگام مرگ، با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت مخصوصی از دنیا می‌رود، در برزخ، شکنجه و ظلمت و فشار می‌چشد. و در قیامت

۱. بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۸۴

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹

۳. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹

حساب سختی از او کشیده می شود.^۱

و فرمود: هر که نماز را سبک شمرد، از امت من نیست.^۲

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که: همینکه انسان در نماز به غیر خدا توجه می کند، خداوند به او می فرماید: «الی من تقصد؟ ارباً غیری تُرید؟ و رقیباً سواي تطلبُ جواداً خلاًي تبغی؟»^۳

به که توجه می کنی؟ آیا پروردگار غیر از من سراغ داری؟ آیا مراقبی جز من در کار است؟ آیا به بخشنده ای غیر از من دل بسته ای؟ بخشنده ترین کس منم... اگر توجه به من داشته باشی، من و فرشتگانم به تو توجه داریم.

• پاسخ ۲:

نمازگزاری که گاهی خلاف می کند، اگر اهل نماز نبود خلافتش بیشتر بود،

۱. سفینة البحار، ج ۲، ص ۴۳

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۵

۳. مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۷۳

زیرا همین نمازگزار برای صحیح بودن نمازش مجبور است بدن و لباسش پاك باشد، لباس و مکانش از مال مردم نباشد و همین مقدار مراعات احکام و مسائل، سبب دور شدن او از برخی گناهان و منکرات می شود.

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می خواند و هم خلاف می کند، فرمود: «ان صلاته تنهاه یوما»^۱ بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: «فبقدر ما منعته قبلت منه»^۲ به اندازه ای که نماز، انسان را از منکرات باز می دارد، به همان اندازه قبول می شود.

• پاسخ ۳:

نمازگزاری که گاهی خلاف می کند، اگر اهل نماز نبود خلافتش بیشتر بود،

۱. تفسیر مجمع البیان

۲. تفسیر مجمع البیان

زیرا همین نمازگزار برای صحیح بودن نمازش مجبور است بدن و لباسش پاك باشد، لباس و مکانش از مال مردم نباشد و همین مقدار مراعات احکام و مسائل، سبب دور شدن او از برخی گناهان و منکرات می شود.

به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته شد: فلانی هم نماز می خواند و هم خلاف می کند، فرمود: «ان صلاته تنهاه یوما»^۱ بالاخره نماز او روزی نجاتش خواهد داد.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کسی دوست دارد قبولی یا ردّ نمازش را بداند، ببیند نمازش او را از فحشا و منکر باز داشته است یا نه. سپس امام علیه السلام فرمود: «فبقدر ما منعه قبلت منه»^۲ به اندازه ای که نماز، انسان را از منکرات باز می دارد، به همان اندازه قبول می شود.

• پاسخ ۴:

جواب دیگر این است که آیه نمی گوید: «ان الصلاه تمنع عن الفحشا والمنکر»

۱. تفسیر مجمع البیان

۲. تفسیر مجمع البیان

نمی‌گوید: نماز مانع است بلکه می‌گوید: «تنهی» یعنی مرتب نهدی می‌کند که این کار را نکن بنابراین نماز دست انسان را نمی‌بندد تا نتواند گناه کند بلکه او را از انجام گناه نهدی می‌کند و باز می‌دارد حال ممکن است انسان به این نهدی توجه نکند. البته هر چه انسان نمازش کامل تر باشد تاثیر این نهدی در او بیشتر خواهد بود.

• یاد خدا، فلسفه نماز

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (طه، ۱۴)

«همانا منم الله، جز من خدایی نیست، پس مرا بندگی کن و نماز را بپادا رتا به یاد من باشی.»

• پیام‌ها:

۱. توحید در رأس همه عقاید و نماز در رأس همه عبادات است. «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا،

فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»

۲. نماز، اولین دستور کار و برنامه‌ی عملی انبیاست. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۳. نماز، در ادیان دیگر نیز بوده است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۴. هدف از اقامه نماز، تنها رعایت قالب آن نیست، بلکه توجه به قلب آن، یعنی احساس حضور است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»

۵. برپایی نماز به خاطر یاد اوست، «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» و یاد او موجب آرامش دلهاست. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» چنان که یاد ما از خدا، سبب یاد خدا از ماست. «فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ»

• نماز توشه آخرت

«قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ

يَأْتِي يَوْمًا لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ (ابراهیم، ۳۱)

ای پیامبر) به بندگان من (آنان) که ایمان آورده‌اند، بگو: نماز را برپا دارند، و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق کنند قبل از آن که روزی فرارسد که در آن نه دادوستدی باشد و نه دوستی و رابطه‌ای.

• نکته‌ها:

نمازیکی از برنامه‌های مومنین و نشان بندگی خدا و توشه آخرت است. انفاق آشکار، سبب تربیت نسل و تشویق دیگران و رفع تهمت از خود است و انفاق پنهانی عامل رشد و اخلاص است. البته بعضی مفسران گفته‌اند: انفاق علنی مربوط به انفاق‌های واجب مثل خمس و زکات است و انفاق مخفی مربوط به موارد مستحبّ مثل صدقه است. با این که هر يك از انفاق آشکار و پنهان آثاری دارند، ولی شاید بتوان گفت،

انفاق پنهان بهتر است، چون در این آیه کلمه‌ی «سِرًّا» بر «عَلَانِيَةً» مقدم شده است.

• پیام‌ها:

۱. برای فرمان دادن، به طرف خود شخصیت دهید. «لِعِبَادِي» بندگی خدا مدال افتخار مومنان است.

۲. ایمان قلبی کافی نیست، نماز، انفاق و عمل صالح لازم است. «أَمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا»

۳. اسلام دین جامع است. رابطه با خدا و کمک به محرومین، در کنار هم و شرط قبولی یکدیگرند. «يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا»

۴. مورد انفاق، تنها مال نیست، از هر چه داریم باید انفاق کنیم. (چه علم و ثروت، چه آبرو و قدرت) «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

۵. انفاق باید از رزق خدا یعنی مال حلال باشد، نه از هر مالی که داشتیم.
فرمود: «رَزَقْنَاهُمْ» و نفرمود «عندکم»

۶. انفاق باید گاهی پنهان و گاهی آشکارا باشد. «سِرًّا وَعَلَانِيَةً»

۷. از فرصت‌ها استفاده کنید. «مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ» ...

۸. اگر دنبال تجارت هستید در دنیا با خدا معامله کنید، زیرا که در قیامت هیچ داد و ستدی نیست. «يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ»

۹. با پول و پارتی نمی‌توان از عذاب قیامت فرار کرد. «لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ»

همچنین در آیه ۱۱۰ سوره بقره نیز به محفوظ ماندن کارهای خیر از جمله نماز و زکات برای قیامت اشاره کرده و می‌فرماید:

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و نماز را برپا دارید و زکات را پرداخت نمایید و هر خیری که برای خود از پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت، همانا خداوند به اعمال شما بیناست.

• تحمل سختی‌ها برای اقامه نماز

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»
«ابراهیم، ۳۷»

«پروردگارا! من (یکی) از ذریه‌ام را در وادی (و دژه‌ای بی آب و) بی گیاه، در کنار خانه‌ی گرمی و با حرمت تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم) تا نماز برپا دارند، پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس گزارند.»

• نکته‌ها:

وقتی خداوند در زمان پیری ابراهیم، اسماعیل را به او عطا کرد، او را فرمان داد که این کودک و مادرش را در مکه اسکان دهد. ابراهیم فرمان الهی را اطاعت نمود و سپس برای آنان دعا کرد.

• پیام‌ها:

- ۱- انتخاب مسکن انبیا بر اساس نماز و عبادت بود. «أَسْكَنْتُ - لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»
- ۲- دینداری، گاهی با آوارگی، هجرت، دوری از خانواده و محرومیت از امکانات رفاهی همراه است. «أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»
- ۳- کعبه و اطراف آن در زمان حضرت ابراهیم نیز محترم و دارای محدودیت و ممنوعیت بوده است. «بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»
- ۴- محور و مقصد حرکت ابراهیم نماز است. «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»

۵- اهل نماز، باید محبوب باشد.

«لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ»

۶- نماز در ادیان قبل نیز بوده است. «لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»

۷- محبوبیت و گرایش دل‌ها به دست خداست. فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً ...

۸- همه‌ی مردم لیاقت دوست داشتن اولیای خدا را ندارند. «مِنَ النَّاسِ»

۹- مردان خدا، دنیا را برای هدفی عالی می‌خواهند.

«مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»

• نماز و طهارت

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ
امْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى

أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ
وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده، ۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هر گاه به نماز برخاستید، پس صورت و دست‌هایتان تا آرنج را بشویید و قسمتی از سر و پاهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید. و اگر جنب بودید، خود را پاک کنید (و غسل نمایید)، و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از محلّ گودی (محل قضای حاجت) آمده یا با زنان تماس گرفتید (و آمیزش جنسی کردید) و آبی (برای غسل یا وضو) نیافتید، با خاک پاک تیمّم کنید، پس (قسمتی از) صورت و دستانتان را از آن خاک (که بر دستانتان مانده) مسح کنید، خداوند نمی‌خواهد که شما را در تنگی قرار دهد، بلکه می‌خواهد شما را پاک کند و نعمتش را بر شما کامل سازد، شاید شما شکرگزار باشید.»

نکته‌ها:

واژه‌ی «قیام»، هر گاه با حرف «إِلَى» همراه شود، به معنای اراده کردن است. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ» یعنی هر گاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید.

کلمه‌ی «جُنْبًا»، به زن و مرد، مفرد و جمع، بطور یکسان اطلاق می‌شود. شاید در این آیه، مراد از جنب شدن، تنها احتلام باشد و منظور از لمس زنان، آمیزش جنسی.

مراد از فرمان «فَاطَّهَّرُوا» انجام غسل است. به قرینه اینکه در آیه‌ی ۴۳ نساء به جای «فَاطَّهَّرُوا»، «تَغْتَسِلُوا» فرموده است.

قید «إِلَى الْمَرَافِقِ»، برای بیان محدوده‌ی شستن است، نه جهت شستن. از آنجا که کلمه‌ی «يَد» در زبان عربی، هم به دست، از انگشتان تا مچ و هم به دست، از انگشتان تا آرنج و هم به دست، از انگشتان تا کتف، اطلاق می‌شود این آیه می‌فرماید: در وضو، دست تا آرنج را بشوید، نه کمتر و نه

بیشتر.

در تیمّم، روح بندگی نهفته است، چون دست به خاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست.

آن گونه که آب آلودگی را برطرف می‌کند، خاک پاک هم خاصیت میکرب کشی دارد. چون در معرض تابش آفتاب و ریزش باران است.

«صعید»، از «صعود» به معنای زمین بلند است. امام صادق علیه السلام در تفسیر «صَعِيداً طَيِّباً» فرمودند: زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود. آری، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می‌شود، برای تیمّم مناسب نیست، زیرا شرط تیمّم، خاک پاک است.

در حدیث می‌خوانیم: «لا صلاة الا بطهور»، نماز جز با طهارت (وضو یا غسل

یاتیمم) صحیح نیست.

در حدیث می خوانیم: «ابدأ بما بدء الله» از همانجا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز نموده است. همان گونه که در قرآن اول شستن صورت، بعد دست ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است، ترتیب وضو نیز همین گونه است. از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می شود؟ فرمودند: «لمكان الباء» به خاطر حرف «باء» در کلمه ی «بِرؤسکم» زیرا معنای آن قسمتی از سر است و اگر آیه «وامسحوا رؤسکم» بود در آن صورت باید همه ی سر را مسح می کردیم.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از «لامستتم»، آمیزش جنسی است، ولی خداوند آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد، لذا آن گونه که شما نام می برید، نام نبرده است.^۲

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۰.

۳. کافی، ج ۵، ص ۵۵۵.

امام رضا علیه السلام درباره‌ی فلسفه وضومی فرماید:

«يكون العبد طاهرا اذا قام بين يدي الجبار»، زمينه پاکی هنگام ايستادن در برابر خداست.

«مطيعا له فيما أمره»، نشانه‌ی بندگی و اطاعت است.

«نقيا من الادناس والنجاسة»، عامل دوری از آلودگی‌ها و نجاست است.

«ذهاب الكسل و طرد النعاس»، مایه‌ی دوری از کسالت و خواب آلودگی است.

«وتزكية الفؤاد للقيام»، آماده‌سازی و رشد روحی برای نماز است.

• پیام‌ها:

۱. نظافت و طهارت، لازمه‌ی ایمان است. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» ...

«فَاغْسِلُوا»... «فَاظْهَرُوا»

۲. طهارت، شرط نماز است. «فَاغْسِلُوا»

۳. هم چنان که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. «فَاغْسِلُوا»

۴. آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا»

۵. شرایط و مقدمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست.
«فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»

۶. برای پیدا کردن آب وضو و غسل باید تلاش کرد، اگر پیدا نشد آن گاه نوبت به تیمم می‌رسد. («فَلَمْ تَجِدُوا» در جایی است که انسان تلاش کند ولی نیابد.)

۷. با آب یا خاک آلوده، نمی‌توان با خدای پاک، ارتباط برقرار کرد. «صَعِيدًا طَيِّبًا»

۸. هم خوردنی‌ها باید طیب باشد، که در دو آیه قبل به آن اشاره شد، هم تیمم باید به خاک طیب باشد. «صَعِيدًا طَيِّبًا»

۹. در احکام دین، حرج و دشواری نیست. «مَا يُرِيدُ اللَّهُ»... («مِنْ حَرَجٍ»

۱۰. هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با خداوند است. «لِيُطَهِّرَكُمُ»

۱۱. تکالیف الهی، برای انسان نعمت است. «لِيَتِمَّ نِعْمَتُهُ عَلَيْكُمْ»

۱۲. انجام تکلیف، یکی از مصادیق شکر خداست. «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»

• وقت نماز

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا
الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا «نساء، ۱۰۳»

«پس چون نماز را به پایان بردید، خداوند را در (همه) حال ایستاده و نشسته

و به پهلو خوابیده یاد کنید، پس هرگاه آرامش یافتید (و حالت خوف تمام شد) نماز را (بصورت کامل) برپا دارید. همانا، نماز بر مؤمنان در وقت‌های معین واجب شده است».

• نکته‌ها:

کلمه‌ی «قیاماً» جمع «قائم» به معنای ایستاده و کلمه‌ی «قُعُوداً» جمع «قاعد» به معنای نشسته و کلمه‌ی «جُنُوب» جمع «جَنب» به معنای پهلو و کنایه از دراز کشیدن است.

همچنین کلمه‌ی «کِتَاباً» به معنای امری نوشته شده و واجب و کلمه‌ی «مَوْقُوت» به معنای کاری با وقت معین است.

حضرت علی علیه السلام درباره‌ی آیه «فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ» فرمودند: یعنی شخص سالم ایستاده، مریض نشسته و کسی که نشسته

نمی تواند، خوابیده نماز بخواند.^۱

امام باقر علیه السلام درباره ی «کِتَاباً مَوْقُوتاً» فرمودند: یعنی مفروض و واجب.^۲

• پیام‌ها:

۱- کمبودهای نماز خوف، با یاد خدا جبران می شود. «فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ»

۲- نماز و یاد خدا در هر حال لازم است، در جبهه ی جنگ یا بستری بیماری.
«قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ»

۳- نماز خوف، يك استثناست. پس از برطرف شدن حالت اضطرار، نماز باید به صورت عادی خوانده شود. «فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ»

۴- نماز، از واجبات قطعی الهی در همه ی عصرها و برای همه ی نسل ها است.

۱. وسائل، ج ۵، ص ۴۸۸.

۲. کافی، ج ۳، ص ۳۹۴.

«كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا»

۵- وجوب هر نماز، در وقت مخصوص خودش است. «مَوْقُوتًا»

• اهمیت نماز صبح

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا
(اسراء، ۷۸)

نماز را به هنگام بازگشت خورشید (به سمت مغرب) تا تاریکی شب، بپادار، و همچنین قرآن سپیده دمان را. همانا (قرائت) قرآن (به هنگام) فجر (در نماز صبح) مورد مشاهده (فرشتگان) است.

• نکته‌ها:

«دلوك»، هنگامی است که خورشید از وسط آسمان رو به مغرب میل می کند که زوال نامیده می شود، و وقت نماز ظهر و عصر است. و «غَسَقِ اللَّيْلِ» وقت نماز

مغرب و عشا است که تاریکی، فراگیری می شود و «فجر»، وقت نماز صبح است.^۱
امام صادق علیه السلام می فرماید: «اولین نمازی که واجب شد نماز ظهر بود و آن
گاه این آیه را تلاوت فرمودند».^۲

در روایت دیگری آمده است: اگر نماز صبح در اول فجر اقامه شود، فرشتگان
شب و روز هر دو آن را ثبت می کنند.^۳ و «مشهود» بودن نماز صبح نیز ممکن
است به همین معنا باشد.^۴ یعنی هر دو گروه فرشتگان آن را مشاهده کرده
و بر آن گواهی می دهند.

• پیام‌ها:

۱. معیار شناخت اوقات در اسلام، طبیعی است به نحوی که قابل فهم

۱. تفسیر اَطیب البیان.

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۵.

۴. تفسیر المیزان.

و درك همه كس در همه جا و همیشه باشد. «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ، غَسَقِ اللَّيْلِ، الْفَجْرِ»

۲. برنامه های دینی، زمان بندی شده است. «لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»

۳. نماز تنها عبادتی است که به نام «قرآن» توصیف شده است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»

۴. قرآن و تلاوت آن در نماز، محور اصلی است. «قُرْآنَ الْفَجْرِ»

۵. در میان نمازها، نماز صبح جایگاه ویژه ای دارد. «إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»

• اهمیت نماز ظهر

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره، ۲۳۸)

«بر انجام همه ی نمازها و (خصوصاً) نماز وسطی (ظهر)، مواظبت کنید و برای خدا خاضعانه بپاخیزید».

• نکته‌ها:

درباره مراد از نماز وسطی، چند نظریه است، ولی با توجه به شأن نزول آیه که گروهی بخاطر گرمی هوا در نماز ظهر شرکت نمی‌کردند و با توجه به روایات و تفاسیر، مراد همان نماز ظهر است.

توجه به نماز در لابلای آیات مربوط به مسائل خانوادگی، اشاره به آن است که غرائز و کشش‌های مالی و حقوقی همسر، شمارا از نماز غافل نکند.

حفظ هر چیزی باید مناسب با خودش باشد حفظ مال از دست برد دزد است، حفظ بدن از میکرب است، حفظ روح از آفات اخلاقی نظیر حرص، حسد و تکبر است، و حفظ فرزند از دوست بد می‌باشد. اما حفظ نماز به چیست؟ حفظ نماز، آشنایی با اسرار آن، انجام به موقع آن، صحیح بجا آوردن، فراگرفتن احکام و آداب آن و حفظ مراکز عبادت و تمرکز فکر به هنگام آن است.

در حدیثی می خوانیم: نماز به گروهی می گوید: مرا ضایع کردی خدا تورا ضایع کند و به گروهی می گوید: مرا حفظ کردی خداوند تورا حفظ کند!

• پیام‌ها:

۱. اقامه نماز باید مداوم باشد. «حَافِظُوا»
۲. همه‌ی مردم مسئول حفظ نمازند. «حَافِظُوا»
۳. نماز را به جماعت برپا کنید. «حَافِظُوا»، «قُومُوا»
۴. هر کجا زمینه‌ی سهل انگاری یا غفلت احساس می شود، هشدار بیشتری لازم است. «وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى»
۵. اقامه‌ی نماز، به توجّه، نشاط، معرفت و اخلاص نیاز دارد. «قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»

۶. انسان نباید وصله‌ی ناهم‌رنگ هستی باشد. قرآن درباره هستی می‌فرماید: «كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ» پس اگر مقاومت نباشیم، وصله ناهم‌رنگ هستی خواهیم بود. «قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»^۱

۷. ارزش نماز به خضوع آن است. «قَانِتِينَ»

• نماز جماعت

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره، ۴۳)

«و نماز را بپا دارید و زکات را بپردازید و همراه بارکوع کنندگان، رکوع نمایید.»

• نکته‌ها:

از نکات اساسی مربوط به نماز، برپایی آن به صورت جماعت است. نماز جماعت پاداش بسیار، برکات فراوان و فواید فردی و آثار اجتماعی بسیار دارد.

- شکوه مسلمانان و موحدان رامی‌رساند.
- ذوب شدن «فرد» در «جمع» در يك عبادت توحیدی است.
- مقدمه وحدت و عامل تقویت روح برادری است.
- نماز جماعت، زمینه شناخت افراد و مشکلات و نیازهای آنان است.
- نماز جماعت، بهترین و بیشترین و پاک‌ترین و کم خرج‌ترین اجتماعات دنیاست.
- خار چشم دشمنان اسلام است.
- عامل نظم، وحدت صفوف، وقت‌شناسی و مبارزه با فردگرایی و خودخواهی است.
- موجب شسته شدن کینه‌ها و کدورت‌ها و پیدایش روحیه اخوت دینی است.

● مستحب است انسان صبر کند تا نماز را به جماعت بخواند.

● پیام‌ها:

۱. اصل فرمان نماز، با جماعت است.

«وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»

۲. اساس دین بر حضور در اجتماع و دوری از انزوا و گوشه نشینی است.

«وَارْكَعُوا مَعَ الرَّائِعِينَ»

۳. نماز و زکات، در آئین یهود نیز بوده است. (آیه در مورد یهودیان است.)

«أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ»

۴. رابطه با خدا، از طریق نماز و کمک به خلق خدا، از طریق زکات و همراهی

با دیگران، يك مثلث مقدس است. «أَقِيمُوا»، «آتُوا»، «ارْكَعُوا»

• نماز جمعه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ
ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» «جمعه، ۹»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! آنگاه که برای نماز روز جمعه ندا داده شد،
پس به سوی یاد خدا (نماز) شتاب کنید و داد و ستد رارها کنید که این
برای شما بهتر است، اگر بدانید.»

• نکته‌ها:

رسول گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای
کسانی که روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند، طلب
مغفرت می نمایند و می گویند: «اللهم اغفر للذين يحضرون صلاة الجمعة اللهم

اغفر للذين يغتسلون يوم الجمعة»

• جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.

نمازی که دعوت به آن با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است.

نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده‌اند.

نمازی که فرمان ترك داد و ستد را به همراه دارد.

نمازی که در روایات، هم وزن حج شمرده شده است.

«عليك بالجمعة فانها حج المساكين»^۱

نمازی که بعد از خطبه‌اش دعا مستجاب می‌شود.^۲

نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می‌شود.

۱. تهذیب، ج ۳، ص ۲۳۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه‌ی نفاق شمرده شده است.

نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.

نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می‌شوند.

نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را فردی خواند.

نمازی که سفارش شده تسهیلات لازم برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود.^۱

نمازی که سزاوار است سفر به خاطر حضور در آن به تأخیر افتد.

حضرت علی علیه السلام در نامه‌ای به حارث همدانی می‌فرماید: «روز جمعه

مسافرت مکن تا در نماز حاضر شوی مگر سفری که در راه خدا باشد و یا

کاری که به انجام آن معذوری».^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۹.

نمازی که سفارش شده از روز قبل، خود را برای حضور در آن آماده کنید. حضرت علی علیه السلام از این که روز پنجشنبه دارویی مصرف کنند که سبب ضعف (و عدم شرکت در نماز) در روز جمعه شود، مردم را نهی می فرمودند^۱ و امام باقر علیه السلام در وصف یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «آنان از روز پنجشنبه خود را برای نماز جمعه آماده می کردند»^۲.

نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند^۳.

نمازی که يك شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. در روایات سفارش شده که در نماز مغرب شب جمعه، سوره جمعه تلاوت شود که به نوعی تذکر و یادآوری و آماده شدن برای نماز جمعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر قدمی که مؤمن به سوی نماز جمعه برمی دارد،

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۹۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۶.

خداوند هول و هراس روز قیامت را از او کم می‌کند»^۱.
نماز جمعه کفاره گناہانی است که انسان در طول هفته انجام می‌دهد،
البته مادامی که گناہان کبیره را رها کند.^۲
کسی که کارگری را اجیر کرده او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناہ
می‌کند.^۳

هرکس سه جمعه پی در پی بدون عذر موجّه نماز جمعه را ترک نماید، نام
او به عنوان منافق ثبت می‌شود. «من ترک الجمعة ثلاثة متتابعة لغير علة كتب
منافقا»^۴

و در روایت دیگری می‌خوانیم هرکس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری

۱. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۲.

۲. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۷.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۰۷.

سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر می زند.^۱
هر کس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد (تا
کفاره‌ی عدم حضور او در نماز جمعه باشد).^۲

رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود:

«هر کس در زمان حیات و یا پس از مرگ من، نماز جمعه را از روی انکاری یا
استخفاف و سبک شمردن ترك کند، خداوند کارش را جمع نمی کند، در
امورش برکت قرار نمی دهد و حج و صدقه او قبول نیست، مگر آن که توبه
کند».^۳

هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می ایستد، بر مردم لازم است

۱. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۴۷.

۲. کنز العمال، حدیث ۲۱۱۳۹.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۰.

که سکوت کنند^۱ و نماز نخوانند^۲ و با ادب بنشینند.^۳

• پیام‌ها:

۱- برای دعوت مردم به عبادت باید بسترسازی کرد. (در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه، سخن از تسبیح موجودات است.) «يُسَبِّحُ لِلَّهِ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»

۲- برای دعوت مردم، آنان را با احترام و نام نیک یاد کنیم. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا»

۳- حضور در نماز جمعه، نشانه ایمان است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ...»

۱. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۵۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۹.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۷۴۶.

- ۴- نماز، مایه‌ی ذکر خدا است. «إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»
- ۵- برای حضور در نماز جمعه، شتاب کنید. «لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا»
- ۶- برای حضور در نماز جمعه، باید موانع موجود را برطرف کرد. «وَذَرُوا الْبَيْعَ» (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است وگرنه همه کارها را باید در هنگام نماز، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت.)
- ۷- خداوند که فرمان ترك تجارت می‌دهد، آن را با وعده‌های حق جبران می‌کند. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»
- ۸- نشانه علم واقعی، انتخاب بهترین‌ها در هر زمان است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»
- ۹- در تربیت دینی، هم تشویق لازم است، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» هم فرمان لازم است، «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ»

هم نهی لازم است، «ذَرُّوا الْبَيْعَ»

هم استدلال لازم است. «ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ»

• نماز در سفر

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا» (نساء، ۱۰۱)

«وهرگاه که در زمین سفر کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر بیم دارید که کافران به شما آزار و ضرر رسانند. همانا کافران همواره دشمن آشکار شمایند.»

• نکته‌ها:

این آیه حکم نماز مسافر را بیان می‌کند.

«ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ» کنایه از سفر است، چون مسافر هنگام سفر، زمین را زیر پای خود می‌کوبد.^۱

در قرآن، گاهی به جای «وجوب» تعبیر «مانعی ندارد» به کار رفته، که این آیه نیز یکی از آن موارد است. گویا مسلمانان صدر اسلام به قدری به نماز علاقمند بودند که کوتاه کردن آن را گناه می‌پنداشتند.

نماز قصر، مخصوص موارد ترس از دشمن نیست. ولی چون معمولاً در سفرها، بیم و نگرانی هست، یا اینکه چون قانون نماز قصر، ابتدا در موارد ترس بوده و بعدها نسبت به هر سفر تعمیم یافته، قید «إِنْ خِفْتُمْ» آمده است.

در روایات مقدار سفری که در آن نماز کوتاه و شکسته می‌شود، مسیریک روز (هشت فرسخ) مشخص شده است.^۲

۱. مفردات راغب، ماده «ضرب».

۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۰۷.

تمام نمازهای مسافر جز نماز مغرب دو رکعتی است.^۱ و مراد از کوتاه کردن نماز، دو رکعتی شدن نمازهای چهار رکعتی است.

• پیام‌ها:

۱. واقع بینی و انعطاف پذیری، يك اصل در قوانین الهی است.

«تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ...»

۲. در حال نماز هم از دشمن غافل نباشید. سیاست و دیانت، عبادت و فطانت از هم جدا نیست.

«إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ»

۳. حتی به هنگام احتمال خطر، اقامه نماز واجب است.

«إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ...»

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۷۹.

• اخلاص در نماز

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام، ۱۶۲)
«بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است.»

• نکته‌ها:

روایت شده که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در آستانه‌ی نماز این آیه را می‌خواند.^۱
مرگ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُك، و نُسُك بر نماز. بنا بر این، نماز، هسته‌ی مرکزی در درون عبادات است.

• پیام‌ها:

۱. راه و روش و هدف خود را در برابر راه‌های انحرافی، با صراحت و افتخار

۱. تفسیر قرطبی.

اعلام کنیم. «قُلْ»

۲. با آنکه نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. «صَلَاتِي وَنُسُكِي»

۳. انسان های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریحی خود (نماز و نُسُك) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند. «إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»

۴. آن گونه که در نماز قصد قربت می کنیم، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ...»

۵. مرگ و حیات مهم نیست، مهم آن است که آن ها برای خدا و در راه خدا باشد. «مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ»

۶. آنچه برای خدا باشد، رشد می کند. «لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

۷. مرگ و زندگی دست مانیست، ولی جهت دادن به آن دست ماست. «لِلَّهِ»

• نماز خاشعانه، اولین ویژگی مومنان

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» (مومنون، ۱-۲)

«قطعاً مومنان رستگار شدند. همان کسانی که در نمازشان خشوع دارند».

• نکته‌ها:

کلمه‌ی «فلاح» به معنای رستن است، شاید دلیل اینکه به کشاورز، «فلاح» می‌گویند آن باشد که وسیله‌ی رستن دانه را فراهم می‌کند. دانه که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل خود را نجات می‌دهد و به فضای باز می‌رسد: اول آنکه ریشه‌ی خود را به عمق زمین بند می‌کند.

دوم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می‌کند. سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند.

آری، انسان هم برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادیات و هوس‌ها و طاغوت‌ها باید مثل دانه همان سه عمل را انجام دهد:

اول ریشه‌ی عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند.

دوم از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند.

سوم تمام دشمنان و مزاحمان را کنارزند و هر معبودی جز خدا را با کلمه «لا اله» دفع کند تا به فضای باز توحیدی برسد.

شخصی در حال نماز باریش خود بازی می‌کرد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر او در دل خشوع داشت، در عمل این گونه نماز نمی‌خواند»^۱.

امام صادق علیه السلام فرمود: «مراد از خشوع در نماز، فرو نهادن چشم است».

• پیام‌ها

۱. رستگاری مؤمنان حتمی است. «قَدْ أَفْلَحَ»
۲. ایمان، شرایط و نشانه‌هایی دارد. «الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ» ...
۳. نماز، در رأس برنامه‌های اسلامی است. «فِي صَلَاتِهِمْ»
۴. در نماز، حالت و کیفیت مهم است. «خَاشِعُونَ»

• نماز آگاهانه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (نساء، ۴۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا آنکه

بدانید چه می‌گویید».

..۱ بحار، ج ۸۱، ص ۲۶۴.

• نکته‌ها:

چون تحریم شراب، در صدر اسلام به صورت تدریجی انجام گرفت. ابتدا شراب به عنوان نوشابه نامطلوب معرفی شد «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا»^۱ سپس این آیه نازل شد^۲ و نماز در حال مستی رانهی کرد، آن گاه زیان آن را بیش از منافعش دانست، «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا»^۳ سپس از مصرف آن به عنوان عنصری پلید و شیطانی نهی شد. «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ»، «رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»^۴ در روایات آمده^۵ که از نماز در حالت خواب آلودگی و کسالت و سنگینی پرهیز کنید. آیات دیگر نیز، نماز از روی کسالت را از

۱. نحل، ۶۷.

۲. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. بقره، ۲۱۹.

۴. مائده، ۹۰.

۵. کافی، ج ۳، ص ۳۷۱.

نشانه‌های منافقان دانسته است.^۱

• پیام‌ها:

۱ مقام نماز به حدی رفیع است که شرابخوار نباید به آن نزدیک شود. «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى»

۲ در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجه و شعور لازم است. «حَتَّى تَعْلَمُوا...»

۳ عبادات ناآگاهانه، بی ارزش است، گرچه تکلیف را ساقط می‌کند. «حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ»

• محافظت از نماز

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (مومنون، ۹)

۱. نساء، ۱۴۲ و توبه، ۵۴.

«وَأَنان بر نمازهای خود مواظبت دارند».

• پیام‌ها:

۱. نماز، نیازمند مواظبت و پاسداری است.
۲. از همه نمازها باید مواظبت کرد. (فرموده صلوات)
۳. شیاطین به نماز طمع می‌کنند پس لازم است آن را محافظت نمود.
۲۱. کمک گرفتن از نماز، در آیه ۴۵ سوره بقره می‌خوانیم:
«وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۴۵) و از صبر و نماز یاری جوید و این کار جز برای خاشعان، گران و سنگین است.

• نکته‌ها:

در روایات می‌خوانیم که حضرت علی عليه السلام هرگاه مسئله‌ی مهمی برایشان

رخ می داد به نماز می ایستادند و این آیه را تلاوت می کردند.

• پیام ها:

۱. صبر و نماز، دواهرم نیرومند در برابر مشکلات است. «اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»
۲. هر چه در آستان خدا اظهار عجز و بندگی بیشتر کنیم، امدادهای او را بیشتر دریافت کرده و بر مشکلات پیروز خواهیم شد. «اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ»
۳. استعانت از خداوند در آیه ی «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» منافاتی با استعانت از آنچه به دستور اوست، ندارد. «اَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»
۴. سنگین بودن نماز، نشانه ی تکبر در برابر خداست. «لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ»

• نماز و حمایت خداوند

«وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

«و به تحقیق خداوند از بنی اسرائیل پیمان گرفت، و از میان آنان دوازده سرپرست (برای دوازده طایفه) برانگیختیم، و خداوند (به آنان) فرمود: من با شمایم، اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید و به پیامبرانم ایمان آورده و یاری شان کنید و به خداوند وامی نیکو دهید، قطعاً گناهانتان را می پوشانم و شما را به باغ هایی وارد می کنم که نهرها زیر (درختان) آن جاری است. پس از این، هر کس از شما کافر شود، به راستی از راه راست منحرف گشته است.»

• نکته‌ها:

«عَزَّزْتُمُوهُمْ» از «عزز»، به معنای یاری کردن همراه با احترام است. «سَوَاءَ السَّبِيلِ»، به وسط راه رامی‌گویند که انحراف از آن، سقوط را به همراه دارد.

نقبای بنی اسرائیل^۱، وزرای حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و سرپرستان دوازده طایفه از آنان بودند. از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ روایت است که فرمود: خلفای پس از من دوازده نفرند، به تعداد نقبای بنی اسرائیل. مخالفان راه اهل بیت، بسیار کوشیدند که این عدد را بر خلفای راشدین، خلفای بنی امیه و خلفای بنی عباس منطبق سازند، با اینکه با هیچ کدام جور در نمی‌آید. و این تلاش بیهوده در حالی است که ده‌ها حدیث از زبان پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ که نام این دوازده تن را در بردارد، در کتب معتبر شیعه و سنی به چشم می‌خورد که نخستین آنان علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و آخرینشان حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ است.

۱. مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۳۹۸.

• پیام‌ها:

۱. نماز، زکات، یاری انبیا و انفاق، در برنامه‌های ادیان الهی دیگر نیز بوده است. «مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ...»

۲. همراهی خداوند با ما چند شرط دارد: نماز، زکات، ایمان، نصرت انبیا، انفاق. «إِنِّي مَعَكُمْ لَئِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ...»

۳. ایمان به انبیا به تنهایی کافی نیست، یاری آنان هم لازم است. «وَ عَزَّزْتُمُوهُمْ»

۴. انجام همه‌ی واجبات کارساز است، نه فقط بعضی از آنها. «لَئِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ...» «وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ»

۵. کمک به خلق خدا، کمک به خداست. «أَقْرَضْتُمُ اللَّهَ» به جای «اقرضتم الناس»

۶. قرض دادن باید به شیوه‌ای نیکو باشد. (از مال خوب با نیت خوب با سرعت و بدون منت.) «قَرْضًا حَسَنًا»

۷. قرار گرفتن موضوع قرض در کنار اموری مانند: نماز و زکات و ایمان به رُسل و یاری انبیا، و ترتب مغفرت و پاداش الهی بر آن، نشانگر اهمیت فوق العاده‌ی آن است. (قرض، شامل عموم کمک‌هایی شود که نمونه‌ی روشن و معمولی آن، وام دادن به مردم است.)

۸. رهبر جامعه باید از سوی خدا تعیین شود، و برگزیدگان انبیا هم باید به فرمان خداوند باشند. «بَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا»

۹. نماز و زکات و انفاق، در کنار پذیرش و یاری رهبران الهی مفهوم دارد. «أَقِمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ»

۱۰. رهبر، اگر از خود مردم باشد، موفق است. «بَعَثْنَا مِنْهُمُ»

۱۱. بهشت را به «بها» دهند، نه بهانه. اگر نماز، زکات، ایمان، امداد و انفاق

بود، بهشت هم هست. «لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ»... «لَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ»

۱۲. بهشت، جای آلودگان نیست، ابتدا باید پاک شد، آن گاه به بهشت رفت.

«لَأَكْفِرَنَّ»... «لَأُدْخِلَنَّكُمْ»

۱۳. راه دستیابی به عفو خدا، ایمان و عمل صالح است. «لَئِنْ»، «آمَنْتُمْ»...

«وَأَقْرَضْتُمْ»... «لَأَكْفِرَنَّ»

۱۴. بعد از اخذ میثاق و اتمام حجت و بیان شرایط دریافت الطاف الهی، راه عذرو بهانه برای کسی نیست. «فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

۱۵. هر کس به دستورهای الهی کفر ورزد، از مسیر اعتدال خارج شده است.

«فَمَنْ كَفَرَ»... «فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ» (آری، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات،

ایمان به انبیا و وفاداری به پیمان‌ها، راه میانه است که نافرمانان آن را گم

کرده‌اند.)

• نماز و صبر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۱۵۳)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر حوادث سخت زندگی)، از صبر و نماز کمک بگیرید، همانا خداوند با صابران است.»

• نکته‌ها:

در این آیه به مسلمانان دستور داده می‌شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد.

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می‌شود. و انسان مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی‌ها، خود را نمی‌بازد و برای او حوادث، بزرگ

نمی‌نماید. کسی که نماز را با حضور قلب و با توجه می‌خواند، به معراج می‌رود.

هر چه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی‌های آن کوچکتر می‌شود.

صبر، مادر همه کمالات است. صبر در جنگ، مایه شجاعت است. صبر در برابر گناه، وسیله تقواست. صبر از دنیا، نشانه زهد است. صبر در شهوت، سبب عفت است. صبر در عبادت، موجب طاعت، و صبر در شبها، مایه ی وَرَع است^۱.

• پیام‌ها:

۱. ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد، کاربرد بیشتری خواهد داشت. «الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ»

۱. تفسیر اَطیب البیان، ج ۲، ص ۲۵۸.

۲. نماز اهرم است، بار نیست. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

۳. صبر و نماز، وسیله‌ی جلب حمایت‌های الهی هستند. «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

۴. اگرچه خداوند با هر کس و در هر جایی حضور دارد «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۱ و لکن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری‌رسانی خداوند به صابران است. «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»

• نماز و آرامش

«الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد، ۲۸)

«(هدایت شدگان) کسانی هستند که ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. بدانید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرد.»

• نکته‌ها:

یاد خدا تنهایی به ذکر زبانی نیست، اگر چه یکی از مصادیق روشن یاد خداست. زیرا آنچه مهم است یاد خدا بودن در تمام حالات خصوصاً در وقت گناه است.

• یاد خداوند برکات بسیار دارد، از جمله:

الف: یاد نعمت‌های او، عامل شکر اوست.

ب: یاد قدرت او، سبب توکل بر اوست.

ج: یاد الطاف او، مایه محبت اوست.

د: یاد قهر و خشم او، عامل خوف از اوست.

ه: یاد عظمت و بزرگی او، سبب خشیت در مقابل اوست.

و: یاد علم او به پنهان و آشکار، مایه حیا و پاکدامنی ماست.

ز: یاد عفو و کرم او، مایه امید و توبه است.

ح: یاد عدل او، عامل تقوا و پرهیزکاری است.

انسان، بی نهایت طلب است و کمال مطلق می خواهد ولی چون هر چیزی غیر از خداوند محدود است و وجود عارضی دارد، دل را آرام نمی گرداند. در مقابل کسانی که بایاد خدا آرامش می یابند، عده ای هم به متاع قلیل دنیا راضی می شوند. «رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا»

نماز، ذکر الهی و مایه آرامش است. «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»، «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ» ممکن است معنای «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» این باشد که بواسطه ذکر و یادی که خدا از شما می کند، دلهایتان آرام می گیرد. یعنی اگر بدانیم خداوند ما را یاد می کند و ما در محضر او هستیم، دلهایمان آرامش می یابد. چنان که حضرت نوح عليه السلام بواسطه کلام الهی «اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا»^۲ آرام گرفت و

۱. طه، ۱۴.

۲. هود، ۳۷.

امام حسین علیه السلام به هنگام شهادت علی اصغرش با عبارت «هین علی انه بعین الله» این آرامش را ابراز فرمود، و یا در دعای عرفه آمده است: «یا ذاکر الذاکرین»

• **سؤال:** اگرچه در این آیه آمده است که دل‌ها، و بویژه دل مؤمن، با یاد خدا آرام می‌گیرد، اما در آیات دیگری می‌خوانیم هرگاه مؤمن خدا را یاد کند، دلش به لرزه می‌افتد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ» آیا این لرزش و آرامش می‌توانند در یک جا جمع شوند؟ راه توجیه آن چیست؟

• **پاسخ:**

برای تصوّر وجود این همزمان آرامش و لرزش در یک فرد، توجّه به این مثال‌ها راه‌گشامی باشد:

الف: گاهی انسان بخاطر وجود همه مقدمات، اطمینان و آرامش دارد، اما

در عین حال از نتیجه هم نگران و بیمناک است. مثل جراح متخصصی که به علم و کار خود مطمئن است ولی باز در هنگام عمل شخصیت مهمی دلهره دارد.

ب: فرزندان، هم به وجود والدین، احساس آرامش می کنند وهم از آن ها حساب می برند و می ترسند.

ج: گاهی انسان از آنجا که می داند فلان ناگواری برای آزمایش ورشد و ترفیع مقام اوست، خرسند و آرام است، اما این که آیا در انجام وظیفه موفق خواهد شد یا خیر، او را نگران می کند و به لرزه می اندازد.

د: انسان های مؤمن وقتی در تلاوت قرآن به آیات عذاب، دوزخ و قهر الهی می رسند، لرزش بر اندام آنها مستولی می شود، اما هنگامی که آیات رحمت و رضوان و بهشت خداوند را قرائت می کنند، آرامشی شیرین، قلوب آنها را فرامی گیرد و آنها را دلگرم می سازد. امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه

می فرماید: «اذا ذكرت ذنوبی فزعت واذا رأیت کرمک طمعت»، یعنی هرگاه گناهان خود و عدل و قهرتورا به یاد می آورم، ناله می زنم، اما وقتی به یاد لطف و عفو تو می افتم امیدوار می شوم. صاحب المیزان برای این جمله، از قرآن شاهد می آورد «تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» یعنی در آغاز انسان دلهره دارد ولی کم کم به آرامش می رسد.

کسی که از یاد خدا غافل است، آرامش ندارد و زندگی بدون آرامش زندگی نکبت باری است. «مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۲

• عوامل آرامش و دلگرمی

دستیابی به اطمینان و آرامش می تواند عوامل گوناگونی داشته باشد، ولی در رأس آنها آگاهی و علم جلوه ویژه ای دارد کسی که می داند ذره ی مثقالی

۱. زمر، ۲۳.

۲. طه، ۱۲۴.

از کارش حساب دارد، «مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»^۱ نسبت به تلاش و فعالیتش دلگرم است.

کسی که می‌داند بر اساس لطف و رحمت الهی آفریده شده، «إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ»^۲ امیدوار است.

کسی که می‌داند خداوند در کمین ستمگران است، «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» آرامش دارد.^۳

کسی که می‌داند خداوند حکیم و علیم است و هیچ موجودی را بی‌هوده خلق نکرده است «عَلِيمٌ حَكِيمٌ» خوش بین است.

کسی که می‌داند راهش روشن و آینده‌اش بهتر از گذشته است، «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى»^۴ قلبش مطمئن است.

۱. زلزله، ۷.

۲. هود، ۱۱۹.

۳. فجر، ۱۴.

۴. .. اعلیٰ، ۱۷.

کسی که می داند امام و رهبرش انسانی کامل، انتخاب شده از جانب خداوند و معصوم از هر لغزش و خطاست، «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» آرام است.

کسی که می داند کار نیک او از ده تا هفتصد بلکه تا بی نهایت برابر پاداش دارد ولی کار زشت او یک لغزش بحساب می آید دلخوش است.

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ»^۲

کسی که می داند خداوند نیکوکاران را دوست دارد، «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۳ به کار نیکش دلگرم می شود.

کسی که می داند کار خیرش آشکار و کار شرّش پنهان می ماند، «يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ» شاد است.

۱. بقره، ۱۲۴.

۲. قره، ۲۶۱.

۳. بقره، ۱۹۰.

• عوامل اضطراب و نگرانی

یکی از شایع‌ترین بیماری‌های قرن حاضر اضطراب و افسردگی است. برای این بیماری که دارای علائمی همچون انزوای طلبی، در خود فرورفتن، خودکم‌بینی و بیهوده‌انگاری است، دلایل بسیاری را ذکر کرده‌اند، از جمله:

شخص افسرده از این که همه چیز را مطابق میل خود نمی‌بیند دارای افسردگی شده است، در حالی که ما نباید بخاطر اینکه چون به همه آنچه می‌خواهیم نرسیدیم، از مقدار ممکن آن هم دست برداریم و تسلیم شویم.

شخص افسرده با خود فکر می‌کند که چرا همه مردم مرا دوست ندارند، و حال آنکه این امر غیرممکنی است و حتی خدا و جبرئیل هم دشمن دارند. لذا انسان نباید توقع داشته باشد که همه او را دوست بدانند.

شخص افسرده گمان می‌کند که همه مردم بد هستند، در صورتی که چنین نیست و خداوند به فرشتگانی که این توهم را داشتند پاسخ داد.

شخص افسرده گمان می‌کند که همه ناگواری‌ها از بیرون وجود اوست، در حالی که عمده تلخی‌ها عکس العمل و پاسخ خصلت‌ها و کردارهای خود ماست.

شخص مضطرب از شروع در کارها نگران است و احساس ترس و تنهایی می‌کند. حضرت علی علیه السلام برای رفع این حالت می‌فرماید: «إِذَا خِفْتَ مِنْ شَيْءٍ فَفَقِّعْ فِيهِ» از هر چه می‌ترسی خود را در آن بینداز، که ترس هر چیز بیش از خود آن است.

شخص مضطرب نگران آنست که آینده چه خواهد شد. این حالت را می‌توان با توکل بر خدا و پشتکار درمان کرد.

چون در بعضی کارها ناکام شده است، نگران است که شاید در تمام امور به این سرنوشت مبتلا شود.

چون بر افراد و قدرت‌های ناپایدار تکیه دارد، با تزلزل آنها دچار اضطراب می‌شود. و خلاصه اموری همچون عدم قدردانی مردم از زحمات آنها، گناه، ترس از مرگ تلقین‌های خانواده به اینکه نمی‌دانی و نمی‌توانی، قضاوت‌های عجولانه، توقّعات نابجا و تصوّرات غلط، علت بسیاری از افسردگی‌ها و اضطراب‌ها می‌باشد که باید خدا و قدرت و عفو و لطف او می‌توان آنها را به آرامش و شادابی مبدل ساخت.

• پیام‌ها

۱- نشانه انابه واقعی، ایمان و اطمینان به خداست. «مَنْ أَنَابَ، الَّذِينَ آمَنُوا»...

۲- ایمان بدون اطمینان قلبی، کامل و کارساز نیست.

«آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ»

۳- یاد خداوند بازبان کفایت نمی‌کند، اطمینان قلبی هم می‌خواهد.

«تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ»

۴- تنه‌ی یاد خدا، مایه‌ی آرامش دل می‌شود. «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» امروزه دارندگان زرزور و تزویر بسیارند ولی از آرامش لازم خبری نیست.

• نماز و افزایش ظرفیت‌ها

«إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ»
«معارف، ۱۹-۲۲»

«همانا انسان، بی‌تاب و حریص آفریده شده است. هرگاه بدی به او رسد، نالان است. و هرگاه خیری به او رسد، بخیل است. مگر نمازگزاران.»

• نکته‌ها:

«هلوع» به معنای انسان بی‌صبر و حریص است.

• پیام‌ها:

۱- نشانه حریص بودن دو چیز است: جَزَع به هنگام سختی و بُخَل به هنگام کامیابی. «هَلُوعاً إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً»

۲- ریشه بسیاری از ناهنجاری‌ها، حرص و بخل است. «جَزُوعاً... مَنُوعاً»

۳- انسان بسیار کم ظرفیت است، با تماس با سختی فریاد می‌زند و بخل می‌ورزد. «مَسَّهُ... مَسَّهُ»

۴- راه نجات از اخلاق ناپسند، مداومت به نماز است.

«خُلِقَ هَلُوعاً... إِلَّا الْمُصَلِّينَ»

۵- طبع مادی انسان به سوی حرص و بخل میل دارد و نماز و یاد خدا آن را مهار می‌کند. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً... إِلَّا الْمُصَلِّينَ»

۶- انسان بدون نماز مضطرب است. «جَزُوعاً... مَنُوعاً... إِلَّا الْمُصَلِّينَ»

• نماز و قرآن

«وَالَّذِينَ يَمَسُّونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصَلِّينَ» (اعراف، ۱۷۰)
«و کسانی که به کتاب (آسمانی) تمسک می جویند و نماز را به پا داشته‌اند
(بدانند که ما) قطعاً پاداش اصلاحگران راتباه نخواهیم کرد».

• نکته‌ها:

در روایات آمده است که این آیه بیانگرویزگی‌های اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان
آنان می‌باشد.^۱

با این که نماز، جزو محتوای کتاب آسمانی است، ولی به دلیل اهمیت آن،
به طور جداگانه ذکر شده است، زیرا نماز ستون دین است و اقامه‌ی دین
بستگی به آن دارد. چنان که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «الصلاة عمود الدين»^۲ و

۱. تفسیر اثنی عشری.

۲. تفسیر اثنی عشری | التهذیب، ج ۲، ص ۲۳۷.

یا در جای دیگر فرمودند: «هر چیزی دارای وجه و صورتی است و سیمای دین شما نماز است، پس نباید سیمای دین خودتان را خراب کنید».

«ووجه دینکم الصلاة فلا یشین احدکم وجه دینه»^۱

• پیام‌ها:

۱. تلاوت، حفظ، چاپ و نشر کتاب آسمانی، کافی نیست، بلکه باید به آن عمل کرد تا نجات بخش باشد. «یُمَسِّکُونَ» (چنان که عمل به نسخه‌ی پزشک، تنهاراه درمان است).

۲. در ادیان و کتاب‌های آسمانی گذشته نیز نماز بوده است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»

۳. افراد بی‌نماز و جاهل به کتاب خدا، نمی‌توانند مصلح کامل باشند. «یُمَسِّکُونَ بِالْكِتَابِ»... «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»... «الْمُصْلِحِينَ»

۴. دین علاوه بر آثار اخروی، در اصلاح زندگی دنیوی نیز نقش دارد.
«الْمُصْلِحِينَ»

۵. اقامه‌ی نماز، وسیله اصلاح جامعه است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ»، «الْمُصْلِحِينَ»
(اقامه یعنی اهتمام کامل به برپایی نماز در تمام شئون زندگی، نه صرف خواندن نماز)

۶. اصلاح واقعی دو شرط و محور دارد: تمسک به قانون الهی و رابطه‌ی
استوار با خدا از طریق اقامه‌ی نماز. (تمام آیه)

• قرآن، نماز و انفاق راه رسیدن به تجارت پرسود

«إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ
تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ» (فاطر، ۲۹)

«همانا کسانی که کتاب خدا را تلاوت می‌کنند و نماز برپا می‌دارند و از آن

چه ما روزی شان کرده ایم، پنهان و آشکار انفاق می کنند، به تجارتي دل بسته اند که هرگز زوال نمی پذیرد».

• نکته ها:

«تَبُور» از «بوار» به معنای کسادى شديد در تجارت است. از آنجا که این امر موجب فساد و نابودى است به هلاکت هم بوار گفته می شود.

• امتیازات تجارت با خدا

۱. آنچه از سرمایه داریم، (سلامتی، علم، عمر، آبرو، مال و ...) از اوست پس به خود او بفروشیم. آری، اگر فرزندی زمین و مصالح و پولی از پدر گرفت و منزلی ساخت بعد افرادی خریدار منزلش شدند که یکی از آنان همان پدر بود، عقل و وجدان می گوید خانه رای به پدر بفروشد، زیرا خود فرزند و تمام دارایی هایش از اوست و فروش به بیگانه جوانمردی نیست.

۲. خداوند به بهای بهشت ابدی می خرد، ولی دیگران هر چه بخرند، ضرر و خسارت است، چون ارزان می خرند و زودگذر است.

۳. خداوند کم رای می پذیرد، «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» ولی دیگران کم را نمی پذیرند.

۴. خداوند، از روی عفو و اغماض، عیب جنس را می پوشاند و با همان نواقص می خرد. در دعای بعد از نماز می خوانیم: خداوندا! اگر در رکوع و سجود نماز خلل و نقصی است نادیده بگیر و نماز را قبول فرما. در دعای ماه رجب می خوانیم:

«خَاب الْوَافِدُونَ عَلَىٰ غَيْرِكَ وَ خَسِرَ الْمُتَعَرِّضُونَ إِلَّا لَكَ»

یعنی باختند کسانی که در خانه غیر تو آمدند و خسارت کردند کسانی که به سراغ دیگران رفتند.

• پیام‌ها:

۱- تلاوت قرآن (گرچه مستحب است)، اما قبل از واجبات آمده است. «يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا»

۲- نماز، باید با رسیدگی به محرومان همراه باشد. «أَقَامُوا... أَنْفَقُوا»

۳- اگر توجه داشته باشیم که دارایی‌های ما از خداوند است، در انفاق، بخل نمی‌ورزیم. «أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

۴- بخشی از داده‌ها انفاق شود، باقی برای خودتان است. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»
(کلمه «من» به معنای بعضی است)

۵- مورد انفاق، تنها مال نیست بلکه از علم و آبرو و قدرت نیز باید به مردم کمک کرد. «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ»

۶- انفاق، هم سری باشد هم آشکارا. (در انفاق پنهان، خلوص آدمی رشد

می‌کند و در انفاق آشکار، مردم تشویق می‌شوند.) «سِرَّاً وَعَلَانِيَةً» البته انفاق مخفیانه برتری دارد، لذا نام آن قبل از انفاق علنی برده شده است. «سِرَّاً وَعَلَانِيَةً»

۷- امید به رستگاری، باید با فکر و عمل و انفاق همراه باشد و گرنه امید بدون کار، پنداری بیش است. «يَتْلُونَ... أَقَامُوا... أَنْفَقُوا...، يَرْجُونَ»

۸- در معامله با خدا، حتی يك درصد زیان نیست. «تِجَارَةٌ لَنْ تَبُورَ»

۹- در فرهنگ اسلام، دنیا بازار است و انسان فروشنده و نعمت‌های الهی، سرمایه و انتخاب مشتری با انسان است. او می‌تواند با خدا معامله کند و می‌تواند غیر خدا را انتخاب کند.

• نماز و زکات

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

عَزِيزٌ حَكِيْمٌ» (توبه، ۷۱)

«مردان و زنان با ایمان، یار و یاور و اولیای یکدیگرند، به معروف (خوبی‌ها) فرمان می‌دهند و از منکرات و بدی‌ها (منکرات) نهی می‌کنند، نماز برپای داشته، زکات می‌پردازند و از خداوند و پیامبرش پیروی می‌کنند. بزودی خداوند آنان را مشمول رحمت خویش قرار خواهد داد. همانا خداوند، توانای غالب و حکیم است».

• نکته‌ها:

در بیش از ۲۰ آیه قرآن نماز و زکات با هم مطرح شده‌اند: «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»، «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» و در روایات می‌خوانیم: نماز بی‌زکات، قبول نیست. همچون قطار که روی يك ریل حرکت نمی‌کند.

آری، رابطه با خدا (نماز) و رابطه با خلق (زکات)، همچون دو بال برای پرواز

معنوی هستند و بایک بال پروازی صورت نمی‌گیرد.
پیامبر ﷺ افرادی را که برای نماز به مسجد می‌آمدند ولی زکات نمی‌پرداختند، از مسجد اخراج کردند.

• پیام‌ها:

۱. زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیر گذارند. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ»
۲. مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»
۳. امر به معروف و نهی از منکر که بر همه‌ی مردان و زنان با ایمان واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ... «وَيَنْهَوْنَ»

۴. امر به معروف و نهی از منکر باید از موضع قدرت باشد نه ضعف. «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

۵. امر و نهی، در سایه‌ی محبت و ولایت قابل اجراست. «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ»
«يَأْمُرُونَ...»

۶. توجه به زندگی محرومان و تأمین اجتماعی فقرا، در کنار مسائل عبادی دیگر است. «يُقِيمُونَ»، «يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ...»

۷. ایمان در اصلاح فرد و جامعه، نقش به‌سزایی دارد. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ...»
«يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»، «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ»

۸. امر به معروف و نهی از منکر، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. «يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»، «يُقِيمُونَ»، «يُؤْتُونَ» (فعل مضارع رمز استمرار است)

۹. کسانی که دیگران را به کارهای خوب دعوت می‌کنند، باید خود نیز اهل

عمل باشند. «يَأْمُرُونَ»، «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ»

۱۰. اطاعت از خدا و رسول باید با میل و رغبت باشد. «يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»
(اطاعت در لغت به معنای پیروی با میل است)

۱۱. هم اطاعت از خدا در برنامه های عبادی لازم است و هم اطاعت از رسول
در برنامه های حکومتی. «يُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»

۱۲. اعمال انسان، زمینه ساز رحمت الهی است. «يَأْمُرُونَ»، «يَنْهَوْنَ»،
«يُقِيمُونَ»، «يُؤْتُونَ»، «يُطِيعُونَ»، «سَيَّرَحْمَهُمُ اللَّهُ»

۱۳. زن و مرد در دریافت رحمت الهی یکسان می باشند. «الْمُؤْمِنُونَ وَ
الْمُؤْمِنَاتُ...» «سَيَّرَحْمَهُمُ اللَّهُ»

• نماز و امر به معروف و نهی از منکر

«قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ

إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ» (هود، ۹۱)

«اما مردم مدین در جواب) گفتند: ای شعیب! آیا نمازت به تو فرمان می‌دهد که (به ما بگویی) آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ (و) یا اینکه (نتوانیم) آن گونه که خود می‌خواهیم، در اموالمان تصرف کنیم؟! تو که مرد بردبار و فهمیده‌ای هستی! (این چه توقعی است که از ماداری؟)»

• پیام‌ها:

۱. همه‌ی انبیا عليهم السلام با مخالفانی روبرو بوده‌اند. «قَالُوا يَا شُعَيْبُ...»
۲. نماز، در ادیان گذشته نیز بوده است. «أَصَلَاتُكَ»
۳. نماز، بارزترین نمود آئین شعیب بوده است. «أَصَلَاتُكَ»
۴. نماز واقعی، انسان را به ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر آنها وامی‌دارد. «أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَنْتَرِكَ»

۵. تقلید از نیاکان، در مقابل دلیل و نصّ، سرچشمه‌ی بسیاری از انحرافات است. «يَعْبُدُوا بآبَائِنَا»

۶. دین، نه از سیاست جداست و نه از اقتصاد. «أَصْلَاتُكَ»... «نَتْرُكَ»... «فِي أَمْوَالِنَا»

۷. راه انبیا، مانع از آزادی بی قید و شرط است. «نَفَعَلْ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ»

• نماز و برادری

«فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَأِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (توبه، ۱۱)

«اما اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات پرداختند، در این صورت برادران دینی شمايند. و ما آیات خود را برای گروهی که می دانند (و می اندیشند)، به تفصیل بیان می کنیم.»

• نکته‌ها:

خداوند در آیات قبل فرمود: اگر مشرکان توبه کرده و نماز خواندند و زکات دادند، دیگر متعرض آنان نشوید، «فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ» در این آیه می‌فرماید: نه تنها مزاحم‌شان نشوید، بلکه گذشته‌ها را فراموش کرده، برادرانه با آنان رفتار کنید.

• پیام‌ها:

۱. آنان که تارك نماز و زکاتند، برادران دینی ما نیستند. «فَإِنْ»... «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»

۲. شرط ورود به دایره‌ی اخوت دینی، نماز و زکات است. «أَقَامُوا»... «فَإِخْوَانُكُمْ»

۳. اساس روابط و حبّ و بغض يك مسلمان، مكتب است. «فَإِنْ تَابُوا»...

«فَاِخْوَانُكُمْ»

۴. با نادم و توّاب، برخوردی برادرانه داشته باشید. «فَاِنْ تَابُوا» ...

«فَاِخْوَانُكُمْ»

۵. آنان که تا دیروز، واجب القتل بودند، در سایه‌ی توبه و نماز و زکات، حقوق اجتماعی برابر با مسلمانان می‌یابند و جنگ با آنان حرام می‌شود.

«فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ»

• نماز و شهرسازی

«وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ بِمِصْرَ بَيْوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (یونس، ۸۷)

«و به موسی و برادرش وحی کردیم که در مصر، برای قوم خودتان خانه‌هایی آماده کنید و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا روبه قبله) بسازید و نماز به پا دارید

و به مؤمنان بشارت بده (که سرانجام پیروزی با آن هاست)».

• نکته‌ها:

«قِبْلَةً»، هم به معنای مقابل و رو بروی هم است و هم به معنای جهت کعبه، یعنی خانه‌سازی رو به قبله. شاید معنای این آیه چنین باشد که تا قدرت فرعون باقی است و تصمیم بر نابودی شما دارد، شما مراسم عبادی را در خانه‌هایتان برقرار سازید. ^۱ مثل سه سال اول بعثت پیامبر اسلام ﷺ. بهترین بشارت به مؤمنان در بند، بشارت به استجابت دعایشان است که از تحت ستم فرعونیان و فتنه‌گری‌هایشان نجات یابند.

• پیام‌ها:

۱. همه‌ی برنامه‌های انبیا حتی روش مساکن‌سازی هم بر اساس

۱. تفسیر نورالثقلین.

دریافت های وحی است. «أَوْحَيْنَا»... «أَنْ تَبَوَّءَا»

۲. مساکن، یکی از نعمت های الهی است. «أَوْحَيْنَا»... «أَنْ تَبَوَّءَا»

۳. رهبران دینی باید به مسائل مادی و رفاهی امت هم توجه کنند. «تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا»

۴. منطقه ی مسکونی افراد مؤمن باید از کفار جدا باشد، تا زمینه ساز عزت، قدرت و استقلال گروه با ایمان گردد. «تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرٍ يُبُوتَا»

۵. تاریخ شهرسازی تا زمان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ قطعی است. «تَبَوَّءَا»... «بُيُوتَا»

۶. معماری و شهرسازی اسلامی باید با اهداف مکتبی سازگار باشد و جهت قبله فراموش نشود. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»

۷. به گونه ای خانه بسازیم که انجام مراسم مذهبی و اقامه ی نماز در آن

عملی باشد. «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»

۸. خانه افراد مکتبی باید نمازخانه باشد. «بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»

۹. خانه های مقابل یکدیگر، از نظر تمرکز، حفاظت، نظارت و انس با هم مناسب تر است. «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»

۱۰. نگذاریم بیگانگان در محله و جامعه ی ما رخنه کنند. «اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»

۱۱. نماز در رأس برنامه همه ی پیامبران و زمینه رهایی بوده است. «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»

• نماز و خانواده

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم، ۵۵)

«وهمواره خاندان خود را به نماز و زکات امر می کرد و پیوسته نزد پروردگارش

مورد رضایت بود».

• پیام‌ها:

۱. پیامبران، علاوه بر مسئولیت اجتماعی، مسئولیت خانوادگی هم دارند.
«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»

۲. سفارش به نماز و زکات، از وظایف پدر خانواده است. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ» (با اینکه سفارش به نماز در خانواده‌ها کم و بیش هست، اما
سفارش به زکات نیست.)

۳. امر به نماز و زکات، از مصادیق امر به معروف است. «وَكَانَ يَأْمُرُ»

۴. نماز و زکات، سابقه‌ای بس طولانی دارند. «وَكَانَ يَأْمُرُ» ...

۵. نماز (ارتباط با خالق) و زکات (ارتباط با مخلوق)، از هم جدا نیست.
(عبادت بدنی به تنهایی شرط کمال نیست.) «بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»

۶. در امر به معروف و توصیه به نماز، باید از نزدیکان شروع کنیم. «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ»
۷. ارشاد و توصیه به نماز باید دایمی باشد. «وَكَانَ يَأْمُرُ» ...

• پایداری بر نماز خانواده

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»
(طه، ۱۳۲)

«و خانواده‌ات را به نماز فرمان ده و بر آن پایدار باش. ما از تو روزی نمی‌خواهیم، (بلکه) ما تو را روزی می‌دهیم، و سرانجام (نیکو) برای (اهل) تقواست.»

• نکته‌ها:

در روایات متعددی آمده است که پس از نزول این آیه، پیامبر ﷺ تا چندین ماه در خانه حضرت علی و فاطمه علیها السلام را می‌زدند و در آستانه در

می فرمودند: «الصلاة» آن گاه به قرائت آیه تطهیر می پرداختند.^۱
هر گاه وضع زندگی رسول خدا ﷺ تنگ می شد، این آیه را تلاوت می فرمود،
آن گاه به افراد خانه دستور می دادند تا نماز بخوانند.^۲
«اصْطَبِرْ عَلَيْهَا» یعنی هم در انجام نماز و هم در امر به آن تأکید و پایداری کن.

• پیام‌ها:

۱. امر به معروف از کسانی اثر بیشتری دارد که خود جذب مادیات نشده باشند. «لَا تَمُدَّنَّ... وَأُمْرًا هَلَكًا»
۲. رهبر جامعه‌ی اسلامی نباید از خانواده خود غافل باشد. «وَأُمْرًا هَلَكًا بِالصَّلَاةِ»
۳. مرد نسبت به سرنوشت فکری و دینی خانواده خود مسئول است و تنها

۱. تفاسیر کبیر فخر رازی و دزالمشور و مجمع البیان.

۲. تفسیر المیزان.

رعایت امور مادی آنان کافی نیست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»

۴. یکی از مهم‌ترین زمینه‌های امر به معروف، خانواده و نزدیکان انسان است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ» ... (دایره‌ی اهل، به زن و فرزند منحصر نیست، بلکه همه‌ی افراد خاندان را شامل می‌شود).

۵. مبلغ باید در مرحله‌ی اوّل به تبلیغ خانواده خود بپردازد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»

۶. اوّلین مرحله‌ی تربیت، کانون خانواده است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ»

۷. فرمان به نماز از میان سایر واجبات، رمزیمه شدن اعضای خانواده است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»

۸. برای عدم وابستگی به زرق و برق دنیا، به نماز پناهنده شویم. «لَا تَمُدَّنَّ... وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»

۹. یکی از مصادیق روشن و بلند معروف، نماز است. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»

۱۰. موضوع نماز در خانواده دارای اهمیت خاصی است، باید والدین بر آن اصرار کنند.^۱ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»

۱۱. امر به معروف، مداومت و پایداری لازم دارد. «اصْطَبِرْ عَلَيْهَا»

۱۲. خداوند از عبادت ما سودی نمی برد، ثمره‌ی آن به خود ما بازمی گردد.
«لَا نَسْئَلُكَ رِزْقًا»

۱۳. سفارش به نیکی‌ها باید جدی و همراه بیان آثار باشد. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ... وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

۱۴. نماز، زمینه ساز پاکدامنی و تقواست. «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ... وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

۱۵. حسن عاقبت در سایه‌ی تقوای الهی است، نه مادیات. «وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»

۱. در تحقیقاتی که از جامعه‌ی دانش‌آموزی و نوجوان و جوان شده است، درصد بالایی از آنان علت توجه به نماز خود را توجه خانواده‌های خویش به آن دانسته‌اند.

• سفارش فرزندان به نماز

«يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان، ۱۷)

«فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است.»

• نکته‌ها:

با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده، اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن.»^۱

۱. تفسیر مجمع‌البیان.

• پیام‌ها:

۱. یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «یا بُنَّیَّ
أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۲. پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم.
«در آیه قبل می‌فرماید: لَا تُشْرِكْ... أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۳. وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام
نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است)
«یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۴. فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق
سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت
کنیم. «یا بُنَّیَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

۵. آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند.

«يَا بَنِيَّ... وَأُمُرٌ... وَانَّهُ»

۶. بعد از توجه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»

۷. کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

• دعا برای نمازگزار شدن فرزندان

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ» (ابراهیم، ۴۰)

«پروردگارا! مرا برپا دارنده نماز قرار ده و از نسل و ذریه‌ام نیز. پروردگارا! دعای مرا (نماز و عبادتم را) بپذیر.»

• پیام‌ها

۱. تکرار کلمه‌ی «رَبِّ» در آغاز دعاهاى حضرت ابراهیم، نشانه تأثیر آن در استجابت دعا و یا یکی از آداب آن است. «رَبِّ اجْعَلْنِي»
۲. برای اقامه‌ی نماز خود و فرزندانتان، از خداوند استمداد کنید. «رَبِّ اجْعَلْنِي»
۳. نماز، محور دعاهاى حضرت ابراهیم است. «رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ»، «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ»
۴. با آنکه رسالت انبیا اقامه‌ی دین است اما دعا برای اقامه‌ی نماز به جای آن، نشانه آن است که نماز چهره و سیمای تمام نمای دین است. «مُقِيمَ الصَّلَاةِ»
۵. اقامه‌ی نماز، عدل و همتای رهبری است. حضرت ابراهیم در دو مورد عبارت «وَمِنْ ذُرِّيَّتِي» را بکار برد: یکی درباره‌ی نماز نسل خود «مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي» و یکی در مورد رهبری نسل خود هنگامی که خداوند به ابراهیم

فرمود: «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي»^۱ من تو را امام مردم قرار دادم
ابراهیم گفت: پروردگارا ذریه مرا نیز به این مقام برسان.

• نماز و کار

«فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه، ۱۰)

«پس هنگامی که نماز پایان یافت، در زمین پراکنده شوید و از فضل الهی
طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

• نکته‌ها:

در فرهنگ قرآن، مال دنیا فضل الهی است، لذا در این آیه می‌فرماید: «وَ
ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»، بعد از پایان نماز جمعه، به سراغ فضل خدا یعنی درآمد

و تجارت بروید. چنانکه در جای دیگر، آن را «خیر» شمرده و می‌فرماید: «إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ»^۱ اگر کسی خیری باقی گذارده، وصیت کند که در اینجا مراد از خیر، مال دنیا است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هرکس در بازار و محل کسب و کار با اخلاص خدا رایاد کند، در حالی که مردم از خدا غافلند و به کارهای خود مشغولند، خداوند برای او هزار حسنه ثبت می‌کند و روز قیامت او را مورد مغفرت ویژه خویش قرار می‌دهد»^۲.

نشاط انسان برای عبادت باید بیش از نشاط او برای کسب درآمد باشد. درباره عبادت فرمود: «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» و در این آیه درباره تجارت می‌فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» هر دو کلمه «فَاسْعَوْا» و «ابْتَغُوا» به معنای تلاش و حرکت است، لیکن در آیه اول واژه «سعی» و حرف «فاء» وجود دارد

۱. بقره، ۱۸۰.

۲. تفسیر مجمع البیان.

که عشق و نشاط و سرعت در آن نهفته است.

• پیام‌ها:

۱- زمان تعطیلی کسب و کار و تجارت به خاطر عبادت، نباید زیاد به درازا کشیده شود. (در آیه قبل، فرمان ترك داد و ستد صادر شد و در این آیه بلافاصله پس از انجام عبادت آن منع برطرف شد). «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ...»

۲- خداوند، تعطیل بازار مسلمانان و رها کردن کار، حتی در يك روز کامل را نمی‌پسندد. «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا»

۳- کسب درآمد و دریافت فضل الهی، نیاز به هجرت و حرکت و مسافرت در زمین دارد. «فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ»

۴- در انجام عبادت سرعت بگیرید، «فَاسْعَوْا» ولی در کار مادی به سراغ آن

- روید و نیازی به عجله نیست، زیرا رزق نزد خداوند مقدر است. «وَابْتَغُوا»
- ۵- لطف و فضل خداوند بسیار است ولی انسان باید برای به دست آوردن آن تلاش کند. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
- ۶- در اسلام، تن پروری ممنوع است. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
- ۷- دنیا، گوشه‌ای از فضل الهی است. «مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
- ۸- رستگاری، در سایه انجام فرمان‌های الهی است. «فَاسْعَوْا... ذَرُّوا... وَابْتَغُوا... وَادْكُرُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»
- ۹- تلاش برای رسیدن به امور معنوی و مادی، هر دو فرمان خداست. در آیه قبل فرمود: «فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ» و در این آیه می‌فرماید: «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»
- ۱۰- اگر داد و ستد با اراده انسان باشد معامله‌ای بیش نیست، «وَذَرُّوا الْبَيْعَ»، اما اگر بعد از انجام عبادت به سراغ داد و ستد رفتیم، به فضل الهی تبدیل

می شود. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ»

۱۱- تلاش برای دنیا نباید همراه با غفلت از یاد خدا باشد. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»

۱۲- اسلام هم خواهان کیفیت در عبادت است، «فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» و هم به دنبال کمیت. «وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»

۱۳- آنجا که زمینه غفلت و لغزش بیشتر است مثل بازار، یاد خدا ضروری تر است. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا»

۱۴- یاد خدا در همه حال لازم است، چه در حال عبادت، «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» و چه در حال تجارت. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَادْكُرُوا اللَّهَ»

۱۵- انسان با عملکرد و انتخاب خوب خود می تواند زمینه رستگاری را فراهم آورد. «فَاسْعَوْا... وَابْتَغُوا... وَادْكُرُوا... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

۱۶- یاد خدا، زمانی عامل رستگاری می شود که مداوم و مستمر باشد. «وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

• نماز محو کننده گناهان

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ» (هود، ۱۱۴)

«و نماز را در دو طرف روز و اوایل شب بپادار، (زیرا) بدست‌ی که کارهای نیکو (همچون نماز)، بدی‌ها را محو می‌کند، این (فرمان)، تذکری است برای اهل ذکر».

• نکته‌ها:

در روایات، مراد از دو طرف روز، صبح و مغرب، و مراد از اوایل شب، نماز عشا

بیان شده است. ^۱ البتّه این آیه در مقام بیان تمام نمازهای روزانه نیست. شخصی از اعمال زشت خویش ناراحت بود، لذا پس از نماز در مسجد از پیامبر ﷺ خواست تا او را حدّ بزند، حضرت به او فرمود: چون بعد از آن عمل خلاف، در نماز جماعت شرکت کرده‌ای، خداوند تو را بخشید. ^۲

• امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن

حضرت علی علیه السلام بر جمعی وارد شده و از آنها سؤال فرمودند: آیا می‌دانید امیدبخش‌ترین آیه‌ی قرآن کدام است؟! هر کس به فراخور حال خویش آیه‌ای را عنوان کرد. بعد از اینکه حضرت نظرات آنان را شنید، فرمودند: از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: امیدبخش‌ترین آیه در قرآن این آیه است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»

۱. تفسیر کنز الدقائق.

۲. تفسیر مجمع البیان.

سپس پیامبر ﷺ ادامه دادند: یا علی! سوگند به خداوندی که مرا بشیر و نذیر به سوی مردم مبعوث کرد، وقتی که انسان برای نماز وضو بگیرد، گناهانش ریخته می شود، و زمانی که رو به قبله کند، پاک می شود. یا علی! مثال اقامه کننده ی نمازهای روزانه، مثل کسی است که هر روز پنج مرتبه در نهر آبی که جلوی منزل اوست خود را شستشو کند!

• پیام ها:

- ۱- نمازها را باید در وقت مقرر انجام داد. «ظَرْفِي النَّهَارِ»
- ۲- نماز، روشن ترین نمونه ی کار نیک است. «أَقِمَّ»... «إِنَّ الْحَسَنَاتِ...»
- ۳- اعمال انسان در یکدیگر تأثیر دارند. «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ»
- ۴- دستور به نماز، روشن ترین پند خداست. «ذَلِكَ ذِكْرِي» (نماز، ذکر الهی است)

• آبادانی مسجد به دست نمازگزاران

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ» (توبه، ۱۸)

«مساجد خدا را تنها کسانی باید آباد کنند که به خدا و روز قیامت ایمان دارند و نماز را به پا داشته و زکات می‌پردازند و جز از خدا نمی‌ترسند. امید است که آنان از ره‌یافتگان باشند.»

• نکته‌ها:

مسجد، پایگاه مهمّ عبادی و اجتماعی مسلمانان است. بنا براین، هم متولّیان آن باید صالح و پاک باشند و هم برنامه‌هایش سازنده و تربیت‌کننده، هم بودجه‌اش مشروع و حلال باشد و هم مسجدیان اهل تقوا و خدایی و مورد تکریم. و گرنه اگر سازندگان مساجد، جبّاران و سلاطین

باشند و پیشنمازان، افراد بی سواد و ترسو و خادمان نیزوارفتگان بی حال، طبعاً مساجد از هدف اصلی خود که آبادی معنوی است، دور خواهند ماند. به گفته‌ی مرحوم فیض کاشانی در تفسیر صافی، تعمیر مسجد شامل مرمت، نظافت و فرش کردن، روشنایی، تدریس و تبلیغ می‌شود. در قرآن ۳۲ بار از زکات یاد شده که ۲۸ بار آن در کنار نماز بیان شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسْجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ» «همین که دیدید کسی به مسجد رفت و آمد می‌کند، به ایمان او گواهی دهید».

در احادیث برای کسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند، بهره‌های فراوان ذکر شده است، از جمله: پیدا کردن دوست و برادر دینی، آگاهی‌های مفید، ارشاد و دوری از گناه، برخورداری از نعمت و رحمت الهی.^{۲۰}

۱. تفسیر دُرّ المنثور.

۲. وسائل الشیعه و تفسیر دُرّ المنثور.

• پیام‌ها:

۱. تولیت و تعمیر مسجد شرایطی دارد:

- الف: از جهت اعتقادی، ایمان به مبدأ و معاد. «آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»
ب: از نظر عملی، برپا داشتن نماز و پرداخت زکات. «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ»
ج: از جهت روحی، شجاعت و نفوذناپذیری. «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» (اگر متولی مسجد، شجاع باشد، مسجد نیز کانون حرکت‌های ضدّ ظلم خواهد بود)
۲. وظیفه‌ی متولیان مساجد و تعمیرکنندگان آنها، رسیدگی به محرومان است. «إِنَّمَا يَعْمُرُ...» «آتَى الزَّكَاةَ»
۳. ایمان از عمل جدا نیست، «آمَنَ»... «وَأَقَامَ» نماز از زکات جدا نیست، «أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ» و مسجد از انقلاب جدا نیست. «مَسَاجِدَ اللَّهِ»... «وَلَمْ يَخْشَ»

۴. با وجود ایمان، عمل صالح، نماز، زکات و شجاعت، باز هم مغرور نشویم، هنوز خطر انحراف وجود دارد. «فَعَسَىٰ أَوْلِيٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»

• ضایع کردن نماز

«فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا»
(طه، ۵۹)

«آن گاه پس از آنان، جانشینان بد و ناشایسته‌ای آمدند که نماز را ضایع کردند و هوس‌ها را پیروی کردند. پس به زودی (کیفر) گمراهی خود را خواهند دید.»

• نکته‌ها:

«خلف»، فرزند صالح را گویند و «خَلْفٌ» فرزند ناصالح است. کلمه‌ی «غی»

در مقابل رشد است. «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ»^۱

ضایع کردن نماز، غیر از نخواندن و ترک آن است. کسی که نماز می خواند، ولی بدون رعایت شرایط آن یا با تأخیر، چنین کسی نماز را ضایع کرده و آن را سبک شمرده است.^۲ در روایتی می خوانیم: همین که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ این آیه را تلاوت می فرمودند، منقلب شده، فرمودند: «بعد از ۶۰ سال، گروهی نماز را ضایع خواهند کرد».^۳

اگر این سخن در اوایل سال اول هجری گفته شده باشد، سال ۶۰ همان سال شهادت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و سال به قدرت رسیدن یزید است.

پیام‌ها:

۱. گاهی فرزندان و نسل آینده، زحمت‌های پدران را تباه می‌کنند. (گاهی از

۱. بقره، ۲۵۶.

۲. بحار، ج ۱۱، ص ۷۲.

۳. تفسیر نمونه.

خوبان، نسل نااهل پیدامی شود) «خَلْفُ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۲. نماز محور دین است. (برای نشان دادن چهره‌ی نسلی به نسل دیگر، ضایع کردن نماز آنان را نشان می‌دهد) «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ»

۳. نماز، سدّی است میان انسان و شهوت‌ها و اگر این سدّ شکسته شود، پیروی از شهوت‌ها برای انسان آسان می‌شود. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۴. کسی که از رابطه با خدا (نماز) جدا شد، به شهوات پیوند می‌خورد. «أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ»

۵. رونق یافتن شهوات، غیّ و گمراهی است. «وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ... يَلْقَوْنَ غَيًّا»

۶. کیفرضایع کردن نماز، سردرگمی است. «يَلْقَوْنَ غَيًّا» (رشد واقعی در سایه‌ی معنویّت است)

• برخورد دشمنان با نماز

«وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُؤًا وَعِيبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مائده، ۵۸)

«وهرگاه که شما (به وسیله ی اذان، مردم را) به نماز فرا می خوانید آن را به مسخره و بازی می گیرند. این به خاطر آن است که آنان گروهی هستند که نمی اندیشند».

• نکته ها:

در شأن نزول آیه ی فوق آمده است که جمعی از یهود و بعضی از نصاری، صدای مؤذن را که می شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می دیدند، شروع به مسخره و استهزای آنان می کردند^۱.

• پیام‌ها:

۱. از رابطه و دوستی با کسانی که اذان (و شعائر دینی) را مسخره می‌کنند پرهیزید. «لَا تَتَّخِذُوا»... («وَإِذَا نَادَيْتُمْ...»)
۲. برای نماز، باید ندا سرداد تا همه جمع شوند. «نَادَيْتُمْ» (نماز باید علنی باشد)
۳. در جامعه‌ی اسلامی، باید برای نماز، فریاد زد و تبلیغ کرد و هیچ کس نباید مانع آن گردد. «نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ»
۴. شیوه‌ی عاقلان، برخورد منطقی است ولی بی‌خردان، اهل استهزا هستند. «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»

• نماز منافقان

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَآؤْنَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا» (نسا، ۱۴۲)

«همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند در حالی که خداوند (به کیفر عمل شان) با آنان مکر می کند. و هر گاه به نماز برخیزند با کسالت برخیزند، آن هم برای خودنمایی به مردم و خدا را جزاندکی یاد نمی کنند».

• نکته ها:

منافق، کسی است که در ظاهر احکام دینی را به جای می آورد، اما انگیزه های او الهی نیست. نماز می خواند، اما از روی ریاکاری، کسالت و غفلت. او گمان می کند با این روش خدا را فریب می دهد، در حالی که نمی داند خودش را فریب داده و خداوند به درون او آگاه است و جزای فریبکاری او را می دهد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «چون خداوند، جزای خدعه آنان را می دهد، به این کیفر الهی، خدعه گفته می شود»^۱.

نماز مطلوب، عاشقانه، خالصانه و دائمی است.

۱. تفسیر نورالثقلین.

پیامبر ﷺ فرمودند: «آنان که نماز را به آخر وقت می اندازند و فشرده می خوانند، نماز منافقان را انجام می دهند».

قرآن نسبت به مؤمنان جمله‌ی «أَقَامُوا الصَّلَاةَ» به کار می برد ولی درباره‌ی منافقین جمله‌ی «قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ» و تفاوت میان «أَقَامُوا» و «قَامُوا» تفاوت میان برپاداشتن و به پا خواستن است.

• پیام‌ها:

۱. فریبکاری، بی نشاطی در نماز، ریاکاری و غفلت از یاد خدا، از نشانه‌های نفاق است. «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ»، «يُرَاؤُنَ»، «لَا يَذْكُرُونَ»

۲. منافقان بدانند که با خدا طرفند. «وَهُوَ خَادِعُهُمْ»

۳. کیفر خدا متناسب با عمل است. «يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ»

۴. نماز منافقان نه روحیه دارد، نه انگیزه، نه مقدار. «كُسَالَى»، «يُرَاؤُنَ»،

«قَلِيلًا»

• شیطان و نماز

«إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ» (مائده، ۹۱)

«همانا شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفکند و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد. پس (با این همه مفسد) آیا دست برمی دارید؟»

• نکته‌ها:

با آن که طبق آمار می شود، بسیاری از قتل‌ها، جرائم، تصادفات، طلاق‌ها، امراض روانی، کلیوی و... ناشی از شراب است، اما قرآن در این آیه بیان فلسفه‌ی تحریم، روی دو نکته تأکید دارد: یکی ضرر اجتماعی یعنی

کینه و عداوت، و دیگری ضرر معنوی یعنی غفلت از نماز و یاد خدا. این آیه برجسته‌ترین اثر شراب و قمار را بازداشتن از یاد خدا و نماز دانسته است، اکنون جای این سؤال است که اگر کارهای عادی مثل تجارت، ورزش، تحصیل و مطالعه و امثال آن نیز ما را سرگرم کرده و از یاد خدا و نماز بازدارد، آیا مانند شراب و قمار است؟ آری، هر چه ما را از خدا غافل کند، مانند شراب و قمار ناپسند است، گرچه اسلام به خاطر لطف و آسان گرفتن، آن را حرام نکرده باشد.

• پیام‌ها:

۱. هر کس که عامل کینه و عداوت در میان مردم شود، مانند شیطان است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ...»

۲. تحریکات شیطان دائمی است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ» (فعل مضارع، رمز

دوام و استمرار است.)

۳. جامعه‌ای که در آن عداوت باشد، شیطانی است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ...»

۴. از الفت و وحدت پاسداری کنیم و با هر چه آنها را از بین می‌برد مبارزه کنیم. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ»

۵. الفت و مهربانی بین اهل ایمان، مورد عنایت خاص خداوند است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ»

۶. قمار و شراب، ابزار کار شیطان برای ایجاد کینه و دشمنی است. «إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ...» «فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ»

۷. نماز برترین سمبل یاد خداست. (با اینکه نماز ذکر خداست، نام آن جداگانه آمده است) «عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ»

۸. بیان فلسفه‌ی احکام، یکی از عوامل تأثیر کلام در دیگران است. «الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ»... («فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

۹. با تمام عواملی که باعث ایجاد کینه و دشمنی می‌شود باید مبارزه کرد. «يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ»... («فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

۱۰. برخی از مسلمانان در صدر اسلام که علی رغم تحریم شراب و قمار، باز بدان مشغول بودند، مورد توبیخ خداوند قرار گرفتند. «فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ»

• عدم توجه به نماز دلیل جهنمی شدن

«فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ»
(مدثر، ۴۰-۴۴)

اصحاب یمین، که در باغ‌های بهشتی هستند از مجرمان می‌پرسند: چه چیز شما را روانه دوزخ کرد. گویند: ما از نماز گزاران نبودیم.

• نکته‌ها:

نمازی که گاه و بیگاه خوانده شود، انسان را در زمره نمازگزاران قرار نمی‌دهد. «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» یعنی نماز ما استمرار نداشت. در سوره ماعون نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»^۱ و این چنین نمازی انسان را مشمول شفاعت شافعان قرار نمی‌دهد. «لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ... فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ»^۲ و این همان حدیث معروف امام صادق علیه السلام است که در آستانه شهادت فرمودند که بستگانم را حاضر کنید و خطاب به آنان فرمودند: «لا ینال شفاعتنا من استخف بالصلاة»^۳

• پیام‌ها:

۱- کیفی نمازی آتش جهنم است.

۱. ماعون، ۵ و ۶.

۲. مدثر، ۴۳ و ۴۸.

۳. کافی، ج ۳، ص ۲۷۰.

۲- در صدر اعتراف دوزخیان اعتراف به بی نمازی است.

• نماز بدون حضور قلب و همراه باریا

«فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاؤُنَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»

(ماعون، ۴-۷)

«پس وای به حال نمازگزاران. آنان که از نمازشان غافلند. آنان که پیوسته ریامی کنند. و از دادن زکات (و وسایل ضروری زندگی) باز می دارند».

• نکته‌ها:

«ماعون» از «معن» به معنای ابزار و وسایلی است که معمولاً همسایگان به یکدیگر عاریه می دهند تا آنکه نیازشان برطرف شود. مثل ظروف غذاخوری در مهمانی‌ها.

دین يك مجموعه به هم پیوسته است. نمازش از اطعام مسکین و رسیدگی

به محرومین جدانیست.

در روایات، «سَاهُونَ» به معنای سستی، ترك و ضایع کردن نماز آمده است.^۱ حساب حضور در نماز جماعت، به خاطر حفظ شعائر الهی، از حساب ریا و خودنمایی به خاطر اهداف نفسانی جداست.

در حدیث می خوانیم: «هر کس به اوقات نماز بی اعتنائی کند و نماز را در اول وقت نخواند، ویل دارد».^۲

• پیام‌ها:

- ۱- هر نمازی ارزش ندارد و هر نمازگزاری بهشتی نیست. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ»
- ۲- سهواً اگر بر خاسته از تقصیر و بی اعتنائی باشد، سرزنش دارد. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. تفسیر نورالثقلین.

- ۳- سهو در نماز قابل جبران و بخشش است ولی سهو از نماز، به معنای رها کردن آن، قابل بخشش نیست. «عَنْ صَلَاتِهِمْ» (نه «فِي صَلَاتِهِمْ»)
- ۴- اخلاص، شرط قبولی نماز و عبادت است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ... يُرَاؤْنَ»
- ۵- کسی که گاهی از نماز غافل می شود، مشمول ویل است، پس وضع تارکان دائم نماز چیست! «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»
- ۶- خدمت به مردم در کنار نماز است. «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»
- ۷- غفلت از نماز، بستر غفلت از مردم است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ... يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ»
- ۸- سهو از اصل و حقیقت نماز مهم است، نه از تعداد رکعات که گاهی عارض می شود و قابل جبران است. «عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ»



در تلگرام نیز، همراه ما باشید

عضویت